

بهزیستی: ۵۰درصد طلاق‌ها ریشه در اعتیاد

## همسر دارد

محسنی بندپی: بیش از ۵۰درصد طلاق‌ها و ۲۵درصد همسرآزاری‌ها و کودک‌آزاری‌ها

در کشور به دلیل اعتیاد همسر است

اعتیاد زنان رشد معناداری پیدا کرده و شمار آنان روبه افزایش است

صفحه ۱۴

سه شنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۴ - ۲۲ ذیحجه ۱۴۳۶ - ۱۶اکتبر ۲۰۱۵ - سال نودم - شماره ۲۶۲۷۱ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

در همایش روز روستا

# رئیس جمهوری: پاسخ منتقدان برجام را خواهیم داد

همه رهبران دنیا به جز رژیم منفور صهیونیستی توافق هسته‌ای را تایید می‌کنند



آتهایی که می‌خواهند افتخار ملت ایران را در موضوع توافق

هسته‌ای زیر سؤال ببرند، به نفع چه کسی کار می‌کنند؟

وزیر امور خارجه به عنوان یکی از قهرمانان ملی در تاریخ ایران

همه تلاش خود را از لحظه نخست فاجعه منا با مسئولان سیاسی

در سطح جهان و دبیر کل سازمان ملل انجام داد

بی‌تدبیری عربستان هم در آغاز حادثه و هم در ادامه فاجعه منا

وجود داشته است

۵۰۰ میلیون دلار از محل صندوق توسعه در اختیار بخش آب

روستایی قرام می‌گیرد

وزیر جهاد کشاورزی مطابق توافق انجام‌شده با وزارت نیرو، سطح

برداشت از آب‌های زیرزمینی به گونه‌ای تنظیم می‌شود تا در یک دوره

۵ساله تقذیه سفره‌های زیرزمینی و برداشتها به تعادل برسد

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برخی سیاست‌ها از جمله هدفمندی

یارانه‌ها تاثیر مستقیم بر زندگی شهری و روستایی گذاشته، طوری

که برخی از آینده روستاها به عنوان بحران یاد می‌کنند

صفحه ۴

روحانی در گفتگو با رادیوی عمومی ملی آمریکا:

## اولویت دولت، رونق تولید و کاهش

## بیکاری است

درآمدهای ایران در دوره پسانحریع، صرف رونق کشور می‌شود

همواره نظرم این بوده که باید تمامی نظرات را بشنوم و بهتری

را انتخاب کنیم

معتمدی باید فعلاً همه به دولت دمشق کمک کند تا اثرش و دولت

سوریه موفق شود تروریست‌ها را بیرون براند

هرگز نمی‌پذیرم که محدودیتی در زمینه دفاع کشور به وجود بیاید

امروز در ایران همه به صندوق رای اعتماد دارند و رقابت واقعی

میان احزاب و گروه‌ها وجود دارد

صفحه ۲

فرانسه: بحران سوریه می‌تواند به جنگ جهانی

## سوم بینجامد

اولاند رئیس جمهوری فرانسه: سوریه نباید تجزیه شود

عمر و موسی: اعراب، سوریه را به غرب واگذار نکنند

وزیر خارجه انگلیس: اسد می‌تواند در رأس دولت انتقالی سوریه باشد

صفحه ۱۶

جهانگیری: دولت در تلاش برای از بین بردن

## چهره خشن فقر در جامعه است

برای اصلاح و رفع مشکلات صندوق‌های بان نشستی کشور باید برنامه‌ریزی مناسبی

صورت گیرد

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، دفتر هیأت دولت و تأمین اجتماعی را هکارهای فقرزدایی

را جمع‌بندی نهایی کنند و در اختیار دولت بگذارند

باید بتوانیم جامعه را از وضع ریسک و خطر و بحرانی خارج و آن را به جامعه

قابل محاسبه و قابل پیش‌بینی تبدیل کنیم

هیچ تحولی در جامعه بدون توجه به نقش آموزش و پرورش امکان‌پذیر نیست

جلسه تهیه و تدوین الگوی

جامع اصلاح نظام بیمه‌های

اجتماعی به ریاست معاون اول

رئیس جمهوری برگزار شد.

دکتر اسحاق جهانگیری در این

جلسه با تأکید بر این که باید

اقدامات اساسی برای فقرزدایی

در کشور انجام شود، گفت: دولت

در تلاش است با استفاده از

تجربیات جهانی و نیز تجربه

نهادهای حمایتی کشور چون

کمیته امداد امام خمینی(ره)،

سازمان بهزیستی و نهادهایی از

این دست، برای از بین بردن

چهره خشن فقر در جامعه

اسلامی ایران گام بردارد.

معاون اول رئیس جمهوری با

اشاره به چالش‌ها و مشکلات

سازمان تأمین اجتماعی و

صندوق‌های بازنشستگی کشور

اظهار داشت: لازم است حتماً

برای اصلاح و رفع مشکلات

صندوق‌های بازنشستگی کشور

برنامه‌ریزی مناسبی صورت

پذیرد.

وی افزود: برنامه ششم توسعه

کشور مساله محور است و دولت

در نظر دارد در چارچوب این

برنامه، به چند موضوع و مساله

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله

این موضوعات خواهد بود.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره

به گزارش رئیس سازمان تأمین

اجتماعی از وضع موجود سازمان

که مسائل صندوق‌های بازنشستگی

بقیه در صفحه ۲

و سازمان تأمین اجتماعی از جمله</



















## سعدی، سنت و نوآوری

<b>دکتر اصغر دادبه</b>	<b>بخش پنجم</b>
------------------------	-----------------



نفاق جریان منفی ریاکاران، این بیت (سعدی،۱۳۷۶: ۹۲): ترک دنیا به مردم آموزند/ خوشبخت سیم و غله اندوزند! حکایت‌های ۱۸، ۱۶، ۱۳ و ۳۴ از همین باب است.

۲- **جریان مثبت**: در برابر جریان منفی ریاکار که آرام آرام، از سده سوم تا سده هشتم به اکثریت تبدیل شد، جریان صافی ضمیر سادهدان‌شی بود که صدافقانه زهد می‌ورزید و صمیمانه پشت به دنیا می‌کرد؛ جریانی اقلی که ابزار سوء استفادهٔ اکثریت ریاکار بود. از سادگی و بی‌خبری این جماعت قصه‌ها نقل کرده‌اند؛ از جمله آنها این حکایت که: زاهدی درخت گردویی دید و از بزرگی آن حیرت کرد و از قند و قامت درخت‌هندوانه پرسید و چون دانست که هندوانه از بوته‌ای کوچک به بار می‌آید، حیرت‌زده، جمله کرد و فریاد برآورد: پاک و بزرگ است خدایی که درخت گردو را باسی بزرگ‌تر از درخت هندوانه خلق کرده است! بیت طنزآمیز و عامیانه: «درخت گردکان این قد و قامت/ درخت‌هندوانه الله اکبر!» گوازی را صورتی عامیانه از همین ماجراست. جریان‌های صوفیانه و عرفانه را از باب عملکرد اجتماعی به دو بخش منفی و مثبت تقسیم کرده‌اند:

۱- یک عرفان یا تصوف منفی، که مردم‌گریز است و بر اعتکاف و گوشه‌نشینی و دوری از مردم و جامعه تأکید می‌کند و توکل را وادگاری امور انسان به خدایماند، به گونه‌ای که متوکل حق کمترین تلاش و حرکت ندارد، حتی اگر بسیار خدود نباید دارو بخورد!

دوم) عرفان یا تصوف مثبت، که مردم‌گراست و اعتکاف و عزلت‌گزینی را اگر به قصد عبادت برگزیند، آن را مانع ارتباط با مردم و مانع تلاش و کوشش نمی‌داند و بر آن است که توکل با تلاش و کوشش قابل جمع است. اشاره مولوی در بیت (مولوی، ۱۳۸۲: ۴۴):

گفت پیغمبر به اهل بلد:
تا توکل زانوی اشترب بکنی
به حدیثی است از پیامبر(ص) بدین عبارت: «اعقلوا توکل : شترت را ببند آنگاه به خدا توکل کن» (فیض کاشانی، ۱۳۳۹: ج۷، ۴۶۶) و تأکید بر این معنا که توکل به طور خاص و تصوف به طور عام نباید موجب عزلت و مردم‌گریزی و کشیدن دست از تلاش و کوشش گردد.
سعدی که خود، اهل عمل است و پیرو عرفان و تصوف مثبت، با عنایت به حاکمیت جریان‌های منفی در سده هفتم، چه به صورت ربیایی و چه به صورت سادگی و سادهدان‌شدانه، طی نقدهای عالمانه نتیجه می‌گیرد که زاهدان و عبادان در بهترین و خوش‌بینانه‌ترین صورت، عملکردشان به نجات فردی می‌انجامد و در حل مشکلات مردم نقشی نمی‌توانند داشت (سعدی،۱۳۷۶: ۹۳):

صاحب‌دلی به مدرسهٔ آسند ز خلقت‌ها

شکستنی عهد صحبت‌ اهل طریق را
گفتیم: میان عالمس و عابد چه فرق بود

تـا اختیار کردی از آن این فریق را؟

گفت: آن گلیم خویش به من می‌برد ز موج
ویسن چهد می‌کند کسده بگیرد غریق را
سعدی از منظر انسان‌گرایی، که هدف نهایی است، به دو سوی برون‌گرایی و درون‌گرایی می‌نگرد و با نگاهی این دو را دو سوی افراط و تفریط می‌شمارد و به این‌گونه می‌گوید هر دو را در زندگی انسان ضروری می‌بیند؛ چرا که انسان خود مجموعه‌ای است از ظاهر و باطن؛ و به همین سبب به هر دو نیازمند است.
مجموع انسان دارای نیازهایی است که باید رفع گردد و روح او نیز نیازهای مخصوص به خود دارد که باید برآورده شود. برون‌گرایی در شعر و ادب و هنر، رفع‌کنندهٔ نیازهای برونی و ظاهری انسان است و درون‌گرایی، البته در صورت معقول آن، رافع نیازهای درونی و معنوی آدمی خواهد بود.

از آنجا که هیچ ظاهری بی‌باطن نیست و هیچ باطنی هم بی‌ظاهر نمی‌تواند بود؛ اولاً، سعدی ناواره‌ان جمع بین ظاهر و باطن می‌کند و برون‌گرایی را با درون‌گرایی می‌آمیزد، نه چون برون‌گراان که بی‌سوی سبب ظاهر تأکید می‌کنند و نه چون درون‌گرایان افراطی برباطن، بدان‌سان که گویی ظاهری در کار نیست! او می‌داند که زندگی انسان چوژنان هستنی انسان دوری دارد، دو چهره، ظاهر و باطن؛ ثانیاً، می‌داند که نخست، ظاهر است و سپس باطن و سیر ظاهر به باطن صورت می‌گیرد و اگر جنبه‌های ظاهری تأمین نشوند، درجه معنوی و باطنی ودینی (معاد) نیز برای او فراهم نمی‌آید و

معنی پدانی نمی‌کند، مراد آن‌حضرت این است که میان ظاهر و باطن، پیوندی ناگسستنی برقرار است. مگر نه اینکه سیر، همواره، از نقض به سوی کامل است؟ و چون چنین است، سیر آدمی نیز از ظاهر به باطن خواهد بود. این بنیاد، سعدی در بهترین‌ر عامل هستی، زندگی، معرفت و کمال یعنی بر عشق انکشت می‌نهد؛ با نگاهی اعتدالی و شیوه‌ای معتدل و تازه.

**ج) شکست منقذی**:

«عشق – سعدی – که به گفته خود – از حد حدیثی است (بهنای ماند / [و] «دستامتی است که هر بر سر یازاری هست» (سعدی، ۱۳۷۶: ۱۲۵) نیز عشقی است برآمده از اعتدالی که از آن سخن گفتیم. عشقی است که به سیره برون‌گرایانه، به شیوهٔ شاعر غزل‌گوی طبع‌گرای سبک خراسانی، به یکسره درون‌گرایی، به شیوهٔ شاعر شاعران درون‌گرای عارف‌پیشه، عشقی است بر اساس سیر از ظاهر تا باطن و به تعبیر رایج از مجاز تا حقیقت و در این سیر مدارای متعلقات هنری و انسانی است که بس اثرچمند است. از سخنان سعدی می‌توان چند اصل مهمی استخراج کرد:

**اصل اول) آمیختگی ظاهر و باطن**: بدین معنا که این جهان (دنیا)، جهان ظاهری و به تعبیر خدای جهان، عالم شهادت (دکته: عنوان نمونه، رازی، ۱۳۳۰: ۶۵-۶۷) است و در آن ظاهر و باطن به هم آمیخته‌اند. سیر این‌قادر این جهان است دارای نیازهای ظاهری و مجازی نیز هست. اگر روح او به غدای روحانی احتیاج دارد، جسم او نیز نیازمند غدای جسمانی است. این نیازهای ظاهری و باطنی به پایان نمی‌رسد و تا انسان در جهان (دنیا) هست، پاهائیا وابسته است. **اصل دوم) محال بودن ظفر**: ظفره یعنی پرش یا پریدن. بدین‌معنا که فی‌المثل یک متحرک که با نقطهٔ اقل به نقطهٔ ج کم برسد، برخی از نقاط بین الف و ج را طی نکند و آن را نظر عقل، نظر فاضل است و آن متحرک و هر متحرک این‌نقاط بین مبدأ (الف) و متنتی (ج) را طی کند. (تکه: اشعری، ۱۹۸۰: ج۳، ۱۳۲۱ و ج۵: ۱۹۵۰: ۱۸۹).

**اصل سوم) عشق**: در نگاه سعدی، عشق به هر صورت و در هر معنا، پاک و مقدس است و نسبت آن با نفس‌پرستی، به تعبیر اهل منطق، نسبت تباین است، یعنی: «هیچ عشق بر نفس‌پرستی نیست» و «هیچ نفس‌پرستی عشق نیست»؛ «عشق‌بازی دگر و نفس‌پرستی دگر است» (سعدی، ۱۳۷۶: ۱۳۷) و «سعدی» عشق نیازمیز و شهوت را نه می‌داند. (سعدی، ۱۳۷۶: ۵۷۱) عشق، حرکتی است عرفش‌شانسانه که از نقطهٔ ابتدایی – نقطهٔ انسانی – می‌شود و به تبع مسیر و کمال معرفت (ادراک: شناخت) پیش می‌رود، صورت‌های کمال‌یافتهٔ گوناگون هنری و عرفانی می‌یابد و به نفع‌های می‌رسد که نمی‌توان آن را در برابر نقطهٔ ابتدایی، انتهایی خواند که به نصرتی سعدی «عشق را آغاز هست، انجام نیست». (سعدی، ۱۳۷۶: ۷۸۸) و این از آن روست که عارفان را منتهای کام نیست» (همان).

عشق از ادراک (شناخت، دریافت، معرفت) زیبایی به بار می‌آید که به گفتهٔ افلاطون: «آنچه زیباتست عشق می‌آفریند». (افلاطون، ۱۳۸۳: ۱۷۹). بنابراین مراتب عشق نیز تابع مراتب ادراک است:

مرتبه اول) ادراک حسی – احساس: دریافت یک پدیده با حواس ظاهری، مثل دیدن یک شخص مشخص و مثل دیدن زیبارویی که دیدار می‌نماید و پرهیز می‌کند (سعدی، ۱۳۷۶: ۹۴) و بدان سبب که هر چیز زیبا عشق‌آفرین است، موجب عشق در بیننده می‌شود. این آغاز عشق است و به لحاظ ادراک، آغاز ادراک. با احساس زیبایی هر زیبارویی که دیدار می‌نماید و پرهیز می‌کند، نخستین مرحلهٔ عشق حسی و ظاهری و به اصطلاح عشق مجازی است، آغاز می‌شود؛ عشقی که احساس و بنیاد مراتب دیگر عشق است. چنان که ادراک حسی (احساس) اساس و بنیاد مراتب دیگر ادراک به شمار می‌آید. توصیفاتی که سعدی در مقام شاعری ارائه‌شدند و واقع‌گرا از این گونهٔ عشق و از زیبایی پدید آورندهٔ آن است که بدست می‌دهد، در ادب پارسی اگر نگوییم بی‌نظیر، دست‌کم، کم‌نظیر است، بنگردی:

تو اگر چنین لطیف از دور بستان دردی که

سرخ شرم خردی که چرا همی شکفتم؟

(سعدی، ۱۳۷۶: ۵۷۴)

از در درآمدی و من از خود به در شدم

گفتی کرین جهان، به جهان دگر شدم

(سعدی، ۱۳۷۶: ۳۷۴)

چنان به موی تو آشفته‌ام، به موی تو مست

که نیتسم خبر از هر چه در دو عالم هست

(سعدی، ۱۳۷۶: ۴۳۵)

و صدا بهیبت و غزل از این دست که هوش از سیر اهل نظر می‌ریاید.

**ادامه دارد**

در این نظام چنین تعلیم داده می‌شود که «دیالوگ» شکل واقعی خود گفتن است و سخن گفتن و فکر کردن امری واحد و یگانه است. از این روست که دیالوگ و گفتگو عنصر ضروری و لازمهٔ لانفک فلسفهٔ سقراط و افلاطون به‌شمار می‌آید.

به‌طوری‌که می‌توان گفت: اندیشهٔ سقراط/افلاطونی یادآوری این نکته لازم است که سقراط هیچ اثر مکتوبی از خود به یادگار نگذاشته است. آنچه از افکار و اندیشه‌های او دانسته می‌شود، آثاری است که در قالب گفتگو به‌دست شاگرد پرآوازه‌اش افلاطون به‌دست‌وشته تحریر کشیده شده است؛ لذا تافران در نام (سقراط/افلاطون) در این بخش از این باب صورت پذیرفته است که در بستر هموار گفتگو قدرت بروز و ظهور می‌یابد.

در این نظام تعلیمی به هیچ‌وجه نمی‌توان گفتگو را امری صوری و تشریفاتی به‌شمار آورد و آن را تنها یک سلیقهٔ شخصی قلمداد نمود؛ چراکه واقعیت‌بنیادی زندگی علمی سقراط در مناظره و گفتگو خلاصه می‌گردد.

دیالوگ‌های سقراطی نوعاً دربارهِ موضوعات مورد علاقهٔ طرفین یعنی: جهان پیرامونی، زندگی اجتماعی و والا‌ترین ارزش‌های زندگی انسانی دور می‌زد. موضوعاتی چون: ماهیت و چیستی نیداری، بی‌دینی، دوستی، زیبایی، زشتی، عدالت، ظلم، خوشنوداری، شجاعت، ترسویی، دولت، دولتمرد، و… از جمله موضوعات متنوع گفتگوهای سقراط را تشکیل می‌داد. او در هر فرصتی با دیگران گفتگو را برای دانستن ماهیت این امور برقرار می‌کرد و به دقت ملزم به اجرای اصول آن بود. البته در مجموع رساله‌هایی که از سقراط/افلاطون به یادگار مانده است، اگرچه کم، رساله‌هایی دیده می‌شود که کمتر جنبهٔ محاوره‌ای دارد. از آن جمله «رساله‌های: «قوانین» (Laws)، «تیمائوس» (Timaeus)، «کریتاس» (Critias)، «دفاعیه» (Apology) و «مکنیوس» (Menexenus).

آنچه ضرورت طرح دیالکتیک و توسل بدان را در دیدگاه‌های فلسفی سقراط/افلاطون ایجاد می‌نمود، اعتقاد به نظریهٔ ایده‌ها، یا اصطلاحاً مُثُل و صور است که رکن اصلی فلسفهٔ ایدئالیستی افلاطون و سقراط را تشکیل می‌دهد. در خصوص نظریهٔ ایده‌ها یا دنیای مُثُل این توضیح مختصر لازم است: پرسش اصلی که سالها فکر این دو را به خود مشغول داشت، این بود که در عزلت و مردم‌گریزی و کشیدن دست از تلاش و کوشش نباید زیاده‌باز باشد؟ در رسالهٔ «جمهور» (Republic) یادآور می‌شود: نام اصلی این رساله در زبان یونانی «پولی‌تیا» (Politeia) است که می‌توان آن را به کلماتی از قبیل «حکومت» یا «تأسیس شهر» یا «جامعه» ترجمه کرد. آورد کسی که این رساله را به زبان لاتینی ترجمه کرد، نام «رس‌پولییکا» و بر آن گذاشت که در اصل همان معنی کلمهٔ یونانی پولی‌تیا را داشت، ولی بعد مفهوم خاص جمهور را پیدا کرد. (به نقل از فروزان‌فر در دیوارهٔ کتاب جمهور، ص ۳)

چنین تعلیم داده می‌شود: تنها دنیایی که ثابت است در معرض تغییر قرار نمی‌گیرد، دنیای مُثُل است. در این تلقی، معرفت واقعی، معرفت اعیان ثابت و یا مُثُل است و در نتیجه، معرفت به دنیای متغیر اعتباری ندارد؛ لذا جستجوی معرفت اصیل که از این منظر تنها به‌عالم مُثُل و جهان ایده‌ها تعلق می‌یابد، آنها را به گرایش به روش دیالکتیک و معنا و مفهوم آن واداشته است تا آنجا که هدف نهایی دیالکتیک را وصول به حوزهٔ ایده‌ها و دنیای مُثُل نشانانده‌اند. درواقع دیالکتیک به این منظره است که به کلی از عالم محسوسات آزاد است و درک مُثُل را در نظریهٔ سقراط و افلاطون ممکن می‌سازد: «گفتن پس صاحب بر منظرهٔ آن جهان کسی است که به حقیقت مجرد اشیا پی برد و کسی که موفق به درک حقیقت اشیا نگردد و در آن باب نه خود چیزی بفهمد و نه به دیگران چیزی تفهیم تواند نمود، می‌توان گفت که وی فاقد ادراک است.» (جمهور، ص ۱۳۳)

به عبارت دیگر «هدف نهایی دیالکتیک، که حوزه اش‌اشی حوزه ایده‌هاست، روت نیک تعریف‌ناپذیر است که علالتیرین علت وجود و صیورت است. انسان آزادارش از بند، پس از آنکه همه مراحل صعود را پیمود،

♦♦♦
**«گفتگو به سبک سقراط صرف تجسس است؛ او پژوهشگر و جوینده است، نه الزاماً از ابتدا یابنده. جستجوگر مخاطب را در کارش شریک می‌نماید. اگر نتیجه‌ای یابند، در همین مشارکت است و آن آزاد رهگذر است که تأمل – خاصه از نوع فلسفی آن – به ناچار به محاوره تبدیل می‌شود**

♦♦♦

یاد به غار نادانی باز گردد و خود را وقف اداره امور جامعه کند؛ زیرا او یگانه کسی است که به علت دانش خاص خود، نیکی و عدالت و در جامعه مستقر می‌تواند ساخت و تشکیل، مراقبت از برقراری نیکی و عدالت در جامعه است.» (بورمان، کارل، افلاطون – محدس‌نظفی، ص ۹۸)

دیوگدو مستقل به واژهٔ «دیالکتیک» و «گفتگو» در مجموعه آثار افلاطون – دیوگدو کتاب‌های سقراط – در چندین دیالوگ منعکس شده است؛ از جمله: رسالهٔ «سامیت» (Politics)، «سوفیست» (Sophists)، «همانی» (Symposium)، «فایدروس» (Phaedrus)، «منون» (Meno)، «فیلوبوس» (Philebus)، «جمهور» و…؛ اما از این میان رساله‌های «سوفیست»، «جمهور» و «سامیت» ویزگی خاصی را در تشریح موضوع مورد بحث داراست.

در نزد سقراط و افلاطون «دیالکتیک» و «گفتگو» معنای برابر و یکسانی به خود می‌گیرد. بدین معنا، مفهوم اصلی دیالکتیک، مناظره و هنر گفتگو یعنی پرسیدن و پاسخ گفتن است؛ یعنی توانایی دادن تعریف یک چیز به دیگری و گرفتن تعریف دقیق و درست از او. به زعم آن دو، کسی از استعداد دیالکتیک برخوردار است که قادر باشد به‌هم پیوستگی همه دانش‌ها را با یک نظر دربیابد.

**تعیار مهمت در اهمیت گفتگو**
در این بخش دیالوگ از دیدگاه سقراط/افلاطون این عبارات قابل‌شناسایی است: در رسالهٔ «فیلوبوس» دانسته می‌شود که دیالکتیک هدایهٔ خدا به آدمیان است. چنان‌که در جایی دیگر در همین رساله بر این امر تصریح می‌دارد که: «دیالکتیک، فقط به خود هستی که همیشه با خود برابر است، توجه دارد».

**صحنه‌ی گفتاپ**
**تازه‌ای انتشارات ققنوس**
**حیات ذهن**
**هانا آرنت**
**مترجم: مسعود علیا**
**چاپ اول، ۱۳۹۴**
**۲۶۴ص- ۲۰۰ هزار تومان**
**هانا آرنت، فیلسوف سیاسی**
**که در سال ۱۹۷۵ در نیویورک درگذشت، هنوز هم به عنوان یکی از مطرح‌ترین فیلسوفان سیاسی سده اخیر مورد توجه است.**
**اودر آمریکا سال‌ها استاد دانشگاه در رشتهٔ تعلیم سیاسی بود و از چند کشور، ده‌ها دکتری افتخاری گرفت، و جایزهٔ آلمانی زبان لینگت و فروید را نیز از آن خود کرد.**
**اول با به پایان رسانده بود که پس از مرگش در سال ۱۹۷۸ به چاپ رسید، ولی از جلد سوم چیزی جز یادداشت‌هایی در کار نبود، گفته‌اند که درست پس از مرگ آرنت، نخستین صفحهٔ جلد سوم در ماشین تحریر شد و باار دیگر نام او را در جامعه علاقمندان به فلسفهٔ سیاسی مطرح کرده است.**
**به فلسفهٔ حیات پرداخت و در نوشته و در سربلوحه از سیبوسون و گوته بود.**
**با این حال، در جلد‌های اول**

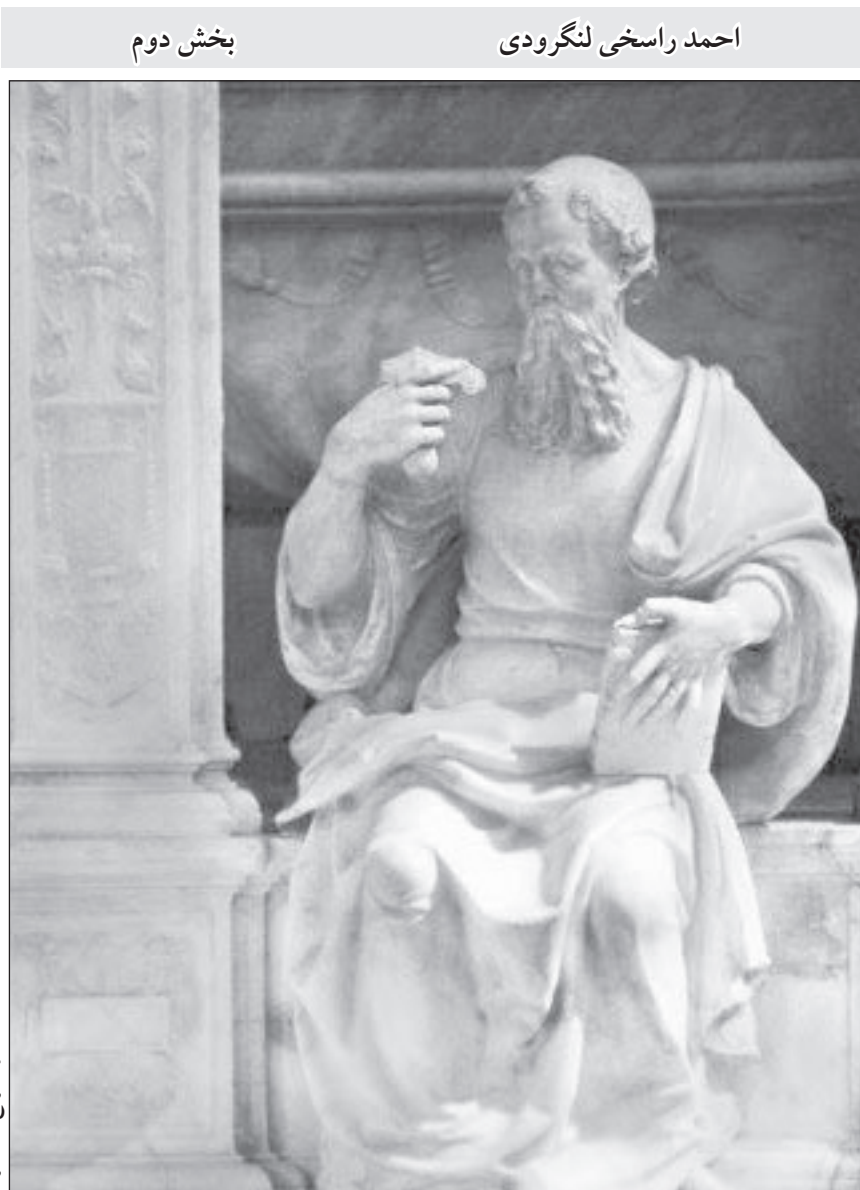
## نظرها و اندیشه‌ها

در رسالهٔ «جمهور» اصل همه دانش‌ها و علوم را فن مناظره دانسته و آن را چون تاجی می‌داند که بر سر همه دانش‌ها قرار گرفته است، و بر این اعتقاد است که مرد خرم‌دند هیچ دانشی را برتر از آن نمی‌تواند به‌شمار آورد؛ زیرا حد نهایی دانش همان است. چنان‌که در دفتر هفتم رسالهٔ «جمهور» آمده است: «… گفتن نابراین لایذ تو فن مناظره را سرآمد و تاج همه علوم می‌دانی و معتقد هستی که علم دیگری وجود ندارد که بتوان آن را فوق علم نظری قرار داد و بالاخره اینکه رشتهٔ علمی که تدریس آن را لازم می‌دانیم، به پایان رسیده است». گفت: آری «(افلاطون، جمهور کتاب هفتم، ترجمهٔ فواد روحانی، ص ۱۲۴)

و در جایی دیگر تصریح دارد: «دیالکتیک هنر شاهانه است که بر همه دانش‌ها فراتر می‌راند» (انوتومورس، ۱۹۲) ایضاً در رسالهٔ «جمهور» دیالکتیک را هنر حقیقی فیلسوف می‌خواند که با استفاده از این هنر مفهوم ماهیت شیء مطلوب دانسته می‌شود: «تو نیز کسی را اهل دیالکتیک و گفتگو می‌نامی که در هر چیز بتواند دلیل راستین و راه حلی را بیابد» (همان)

در رسالهٔ فیلوبوس نیز این تعبیر در مورد دیالکتیک به چشم می‌خورد: «دیالکتیک، فقط به خود هستی که

# گفتگو بر بام اندیشه



همیشه با خود برابر است، توجه دارد» (فیلوس، ۱۵) از این منظر، حقیقت بر حسب ذات و ماهیتش مستلزم گفتگو است؛ چراکه حقیقت تنها بر فرد متجلی می‌شود، اما در مصاحبت و مباحثت با دیگری، ضامن تجلی حقیقت، سخنان طرفینی است که پیوندی ناگسسته برقرار می‌شود و در شعاع یک کانون، بحث بر زبان رانده می‌شود.

**شرایط تحصیل**
اگرچه افلاطون در بیان نقش و جایگاه هنر مناظره تأکید بلند و شتابانگرانه‌ای را عرضه می‌دارد، اما در عین حال در رسالهٔ کراتیلوس (Cratylus) به این امر تصریح دارد که کلمات علاوه بر چهره مثبت، یعنی آشکارسازی و صحت، امور، چهره‌های منفی، یعنی قدرت پنهان‌سازی هم دارد. از یک سو می‌تواند بر همه امور دلالت کند و به اشیا رهنمون باشد؛ اما همچنین می‌تواند امور را نه دلالت، که بالعکس مخفی‌سازد؛ زیرا چنان‌که در «پان» (Pan) پسر «هرمس» (Hermes) به عنوان پیام‌آور ویزان، بالاته‌ای نرم و ایزدگونه و پایین‌ته‌ای چون بز دارد، زبان نیز از دو چهرهٔ چهره و کاذب برخوردار دارد؛ و در صورتی چیزی تعریف خوبی را نشان می‌دهد که به امر الهی نزدیک گردد و در صورتی چهرهٔ کاذب به خود می‌گیرد که با راه و روش‌های ترازیک آدمی مرتبط گردد. از این رو افلاطون از یاد نبرد که چنین فنی (فن مناظره) این خاصیت را دارد که دست‌باز رندان و بازیگرانی قرار گیرد که صرفاً سودای مجادله و مغالطه را در سر می‌پروراند.

اینان به جای اینکه گفتگو و مباحثه را وسیلهٔ کشف حقیقت به‌شمار آورند و از آن رهگذر به معرفتی قابل آئند، مستجابده و متناجره و تسلط بر طرف مقابل اصلی تفکر فلسفی می‌دانست و معتقد بود که ما همان‌ها می‌توانیم با دیگران به تفاهم برسیم؛ و تفاهم تا در این راه می‌تواند به دیگران به تفاهم برسیم؛ و تفاهم تا دیگران هدف زندگی او بود.» (دگر، ورنر، یادید، جلد دوم، ترجمهٔ محدس‌نظفی، ص ۱۲۵)

اگرچه دیالوگ‌های سقراطی از نوع جدل بوده و با پرسش و پاسخ شکل می‌گیرد، اما هیچ‌گاه نباید پنداشت پرسشی که از ناحیهٔ او طرح می‌گردد و طرف گفتگو بگویم، زیرا هر چگونیم نه راست خواهد بود و نه شایان است. (کتسون، خاطرات سقراط، ترجمهٔ محدس‌نظفی، مقدمهٔ مترجم، ص ۷)

می‌کنند و توانسته‌ایم به حریم آنها راه یابیم. اما ذهن و کیهان هنوز دور از دسترس ما و مایهٔ نگرانی و دغدغهٔ خاطر ما هستند. چند دههٔ آلودهٔ آست و با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم افراد از پیچیدگی‌های وارز گونه‌بودن ذهن سخن می‌گویند. ذهن و کیهان در زمرهٔ بزرگ‌ترین رازهای طبیعت اند. با فناوری پیشرفتهٔ توانمند‌های تکنش‌های که میلدارد سال‌ها نوری باامضاصله دارد کنج‌هایم برگیریم. امروزه قادر به ایجاد تغییر زنهایی هستیم که زندگی را کنترل و

می‌کنند و توانسته‌ایم به حریم آنها راه یابیم. اما ذهن و کیهان هنوز دور از دسترس ما و مایهٔ نگرانی و دغدغهٔ خاطر ما هستند. چند دههٔ آلودهٔ آست و با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم افراد از پیچیدگی‌های وارز گونه‌بودن ذهن سخن می‌گویند. ذهن و کیهان در زمرهٔ بزرگ‌ترین رازهای طبیعت اند. با فناوری پیشرفتهٔ توانمند‌های تکنش‌های که میلدارد سال‌ها نوری باامضاصله دارد کنج‌هایم برگیریم. امروزه قادر به ایجاد تغییر زنهایی هستیم که زندگی را کنترل و

سوفسطائیان دارد و یا اینکه از باب خودنمایی و یا آمون و ازبایی میزان دانش طرف مناظره، و ردیفی از پرسش‌ها را برقرار می‌سازد. بلکه بالعکس پرسشهای سقراطی حقیقتاً به طلب بهترین و برحسنته‌ترین پاسخ‌هاست؛ از آن نوع که حقیقتی را آشکار نماید و به‌افق جدیدی از اندیشهٔ نایل آید. او خود اعتراف می‌کرد که نمی‌داند و یادوست دارد که

بداند. او در جریان گفتگو از طرف مقابل می‌پرسید و وی با پاسخ و یا پاسخ‌های متعدد، برای مثال، سقراط در آغاز گفتگو اعتراف می‌کرد که نمی‌داند «شجاعت» و یا «عدالت» و یا «دوستی» و افعا چیست و برای شروع گفتگو پاسخ طرف مقابل را در در این خصوص جویا می‌شد، و با گفتگو و به جهتی می‌کشاند تا آن شخص کلمهٔ «شجاعت» و یا «عدالت» را به کار ببرد، آنگاه از او می‌پرسید: «شجاعت» یا «عدالت» چیست؟

اگر پاسخ داد شده از دید سقراط کافی به نظر نمی‌رسید، طرف مقابل را وامی‌داشت پاسخنی کامل بدهد و یا در صورت وجود تناقض در گفتار او، آن را به نوعی گوشزد می‌کرد. بدین ترتیب جریان بحث و گفتگو را زیر نظر می‌گرفت، اقتصدر گفتگو در

قالب پرسش و پاسخ ادامه می‌یافت به دو نقطه‌ای مشخص و رضایت‌بخش طرفین بینجامد. این پاسخ‌هاست که طرح پرسشهایی در دامن خود می‌پرورد، بدون اینکه از پیش قبل از دریافت پاسخ،

پرسش در ذهن سقراط جای گرفته باشد و او خود را برای چنین شرایطی آماده کرده باشد. به بیان دیگر، سقراط در جریان گفتگو به گونه‌ای مخاطب را آزمایش هم می‌کرد و گفت‌ها و پاسخ‌های او را به نقد می‌کشاند و یا نهایتاً رد می‌نمود؛ طبیعتاً نتیجهٔ این آزمایش مخاطب و پژوهش مفهومی بود که سقراط به حال خود وقف می‌یافت و خود را می‌شناخت و آگاه می‌شد به اینکه دشواری خیالی و بی‌پایه است و می‌بایست مورد بازنگری و بازسازی قرار گیرد. او در جریان گفتگو همیشه تلاش می‌کرد به مفهومی کلی دست یابد و درواقع هدف پژوهشش یافتن تعریف دقیق جامع و مانع از مفاهیم بود.

نکتهٔ قابل اشاره دیگر این‌که، دیالوگ‌ها و گفتگوهای سقراطی را نوع گفتگوهای متبادل در رایج آن دانست و با گفتگوهای معمولی یکسان گرفت. یقیناً گفتگویی که در حوزهٔ روشنگری تواناست و راه به سوی حقیقت می‌گشاید، شرایطی را مقتضی است که تحقق آن باتمامه لازم است. در گفتگوهای سقراطی کمترین صورتی از ادعا به دانستن و برتربودن جایگاهی ندارد، بلکه بالعکس طرفین در حین مناظره و گفتگو چنین وانمود می‌سازند که چیزی نمی‌دانند و تنها در جستجوی حقیقت‌اند. بنابراین به هر دو طرف در گفتگوهای سقراطی از زور آزمایی و یا خودنمایی خبری نیست. کوچکترین نشانی از اثبات و خودخواهی در محاورات او دیده نمی‌شود. او به‌سراست انکاد خصم که برای اظهار دیگری، و نه برای گفتن، که بیشتر برای شنیدن آمده است، او طالب شنیدن و حتی پیش‌شنیدن است. می‌خواهد بشنود و پیرامون شنیده‌ها بحث و جد آن کند و حد آن را بشناسد. با این توصیف، صورت اصلی گفتگوهای سقراط را گفت و شنود تشکیل می‌دهد.

به بیان دیگر در گفتگوهای سقراطی، این گونه نیست که حقیقت در اختیار ظاهر بوده و او قادر باشد آن را به مخاطب خود منتقل کند؛ بلکه گفتگو به سبک سقراط صرف تجسسی است؛ سقراط پژوهشگر است؛ او جوینده است نه الزاماً از ابتدا یابنده. کسی که جستجو می‌کند، مخاطب را در کارش شریک می‌نماید. اگر نتیجه‌ای باشد در همین مشارکت است و همچنین از این رهگذر است

♦♦♦
**«گفتگوی سقراطی افلاطون، ادعای ادبی بوده که از واقعیتی تاریخی ریشه می‌گرفت: درس سقراط همیشه شکل سؤال و جواب داشت، او گفت و شنید را شکل اصلی تفکر فلسفی می‌دانست و معتقد بود که ما تنها از این راه می‌توانیم با دیگران به تفاهم برسیم؛ و تفاهم با دیگران هدف زندگی او بود**

♦♦♦
**«گفتگوی سقراطی افلاطون، ادعای ادبی بوده که از واقعیتی تاریخی ریشه می‌گرفت: درس سقراط همیشه شکل سؤال و جواب داشت، او گفت و شنید را شکل اصلی تفکر فلسفی می‌دانست و معتقد بود که ما تنها از این راه می‌توانیم با دیگران به تفاهم برسیم؛ و تفاهم با دیگران هدف زندگی او بود**

♦♦♦
**«گفتگوی سقراطی افلاطون، ادعای ادبی بوده که از واقعیتی تاریخی ریشه می‌گرفت: درس سقراط همیشه شکل سؤال و جواب داشت، او گفت و شنید را شکل اصلی تفکر فلسفی می‌دانست و معتقد بود که ما تنها از این راه می‌توانیم با دیگران به تفاهم برسیم؛ و تفاهم تا در این راه می‌تواند به دیگران به تفاهم برسیم؛ و تفاهم تا دیگران هدف زندگی او بود.»** (دگر، ورنر، یادید، جلد دوم، ترجمهٔ محدس‌نظفی، ص ۱۲۵)
اگرچه دیالوگ‌های سقراطی از نوع جدل بوده و با پرسش و پاسخ شکل می‌گیرد، اما هیچ‌گاه نباید پنداشت پرسشی که از ناحیهٔ او طرح می‌گردد و طرف گفتگو بگویم، زیرا هر چگونیم نه راست خواهد بود و نه شایان است. (کتسون، خاطرات سقراط، ترجمهٔ محدس‌نظفی، مقدمهٔ مترجم، ص ۷)

در پارهای از دیالوگ‌ها هنر طرف گفتگو از پاسخ‌های سقراطی یادید؛ او روش‌در گفتگوهای شناخته‌شده سقراطی ابتدایی را به صورت کامل و تمام به مخاطب عرضه نمی‌کرد، اندیشهٔ پیوسته در تکاپوست و همواره جویای تازه‌هاست. به نوشتهٔ «ورنر یگر» (Werner Jaeger) در کتاب «پایدها» (Paideia)، «گفتگوی سقراطی افلاطون، ادعای ادبی بود که از واقعیتی تاریخی ریشه می‌گرفت؛ از این واقعیت که درس سقراط همیشه شکل سؤال و جواب داشت، سقراط گفت و شنید را شکل اصلی تفکر فلسفی می‌دانست و معتقد بود که ما همان‌ها می‌توانیم با دیگران به تفاهم برسیم؛ و تفاهم تا در این راه می‌تواند به دیگران به تفاهم برسیم؛ و تفاهم تا دیگران هدف زندگی او بود.» (دگر، ورنر، یادید، جلد دوم، ترجمهٔ محدس‌نظفی، ص ۱۲۵)

اگرچه دیالوگ‌های سقراطی از نوع جدل بوده و با پرسش و پاسخ شکل می‌گیرد، اما هیچ‌گاه نباید پنداشت پرسشی که از ناحیهٔ او طرح می‌گردد و طرف گفتگو بگویم، زیرا هر چگونیم نه راست خواهد بود و نه شایان است. (کتسون، خاطرات سقراط، ترجمهٔ محدس‌نظفی، مقدمهٔ مترجم، ص ۷)

می‌کنند و توانسته‌ایم به حریم آنها راه یابیم. اما ذهن و کیهان هنوز دور از دسترس ما و مایهٔ نگرانی و دغدغهٔ خاطر ما هستند. چند دههٔ آلودهٔ آست و با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم افراد از پیچیدگی‌های وارز گونه‌بودن ذهن سخن می‌گویند. ذهن و کیهان در زمرهٔ بزرگ‌ترین رازهای طبیعت اند. با فناوری پیشرفتهٔ توانمند‌های تکنش‌های که میلدارد سال‌ها نوری باامضاصله دارد کنج‌هایم برگیریم. امروزه قادر به ایجاد تغییر زنهایی هستیم که زندگی را کنترل و

می‌کنند و توانسته‌ایم به حریم آنها راه یابیم. اما ذهن و کیهان هنوز دور از دسترس ما و مایهٔ نگرانی و دغدغهٔ خاطر ما هستند. چند دههٔ آلودهٔ آست و با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم افراد از پیچیدگی‌های وارز گونه‌بودن ذهن سخن می‌گویند. ذهن و کیهان در زمرهٔ بزرگ‌ترین رازهای طبیعت اند. با فناوری پیشرفتهٔ توانمند‌های تکنش‌های که میلدارد سال‌ها نوری باامضاصله دارد کنج‌هایم برگیریم. امروزه قادر به ایجاد تغییر زنهایی هستیم که زندگی را کنترل و

## بازنگری در آیات جهاد

<b>حجت‌الاسلام‌المسلمین محدثتی ناضل مبینی – بخش ششم و پایانی</b>
--

**جریان د فتنه مکه**
در جریان فتنه مکه، رسول خدا(ص) خالد بن ولید را برای دعوت طایفه بنی خزیمه به اسلام فرستاده؛ اما خالد با آن جنگید و عده‌ای از اسیران را کشت. پیامبر(ص) از این اقدام زشت تیزی جست و امام علی(ع) را فرستاد تا دیه گشته‌ها را بپردازد و آنچه را بنی خزیمه از دست داده بودند، جبران کند. (طبقات الکبری، ۲، ص ۱۴۷)

از این قتلعه تاریخی به خوبی روشن می‌گردد که شیوه پیامبر اسلام در راستای دعوت به اسلام و توحید بر اساس تعقل و تفکر، آزادی و اختیار بوده، نه زور و تزویر و اجبار؛ و آن گاهی خلاف این شیوه در دعوت، توسط بعضی از فرماندهان بی کفایت صورت می‌گرفت، رسول خدا(ص) سخت با آن برخورد می‌نمود و شیوه انسان ساز خویش را برای مساخت، بنابراین پیامبر(ص) در دعوت به اسلام هرگز به زور و اجبار متوسل نمی‌گردید تا آنجا که سرزمین‌هایی را که فتح می‌کرد، مردم را بین دو کار مخیر می‌گذاشت:

۱-اسلام بیاورند و در شمار مسلمانان باشند؛
۲-در دین خود باقی بمانند و از نظر سیاسی حاکمیت حاکم را بپذیرند. (آینی، تاریخ اسلام، ص ۵۸، به نقل از حسین عبدالحمیدی، تفسیر مو ضوع قرآن کریم، ص ۵۸)

۳-**قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى هُدًى وَبَصِيرَةٍ وَأَنَا مِنَ الْبَاطِنِ وَبِشَاحِنِ اللَّهِ وَأَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**؛ بگو: این است راه من که خود و هر کس را که پیروم کرده، با آگاهی به سوی خدا فرا می‌خوانم، پاکا بخدا، و من از کسانی نیستم که شرک می‌ورزند. (یوسف، ۱۰۸)

۴-**يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ ارْزُقْ سَلَامَةً وَمُثْمَرًا**



























## مهرمی بر زخم سوختگان

جلسه‌ای برقرار است. اما با جلسات دیگر فرق دارد. جلسه دانشگاه با سازمان‌های خیریه مردم نهاد. پس در کار خبری حیات هیچ استخاره نیست. شتابم افزون می‌شود. انعقد شبانیم که در نمی‌یام مردی استوار و دو جوان برومند نیز مه‌مقصّد ننند. همچون هر سفری بعد می‌فهمم که چه بزرگد. استاد دکتر دلشادزاد را می‌بینم. علاوه بر شادمانی، دلم به حضورش قرص می‌شود.

پزشکی توانمند و خادجاو با کوله‌باری از تجربه و تالاشی پیگیر برای حفظ جان و کرامت انسانا... به همه خیرین خیر مقدم می‌گوید. نماینده نهادهای خیریه هر یک به معرفی از خود و کارها و تلاش‌هایشان می‌پردازند. نوبت به من می‌رسد. جز یک قلم همیشه همراهم هیچ ندارم. پس باید حافظ می‌افتم». سخن گذارنده او کی مرد عاقل یا خاموش؟ فقط می‌گویم به نیابت از روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی ایران امیدوارم پیام‌رسان خوبی برای این جلسات باشم. نوبت به من استوار می‌رسد. چه زیباست وقتی ورسته‌ای دکتر دکت دلشاد در وصف آزاد مردی دیگر به نام دکتر جابری می‌گوید. نماینده موسسه خیریه بهاشتی و درمانی: استاد نهران با آن لهجه زیبای گلیاگانی‌اش لب به سخن می‌درشانی. صریح، نافذ و البته طنز. به قول خودش اهل مدامنه نیست. از خاطراتش می‌گوید: از مردم می‌گوید برای مردم. از دستان خیر مردم می‌گوید به خاطر رضای خود. چون از حوالاس می‌گوید بر دل می‌نشیند. مگر نیست که خدای متعال حق خود را می‌بخشد اما حق مردم را در دکت عبادی فردا در حق بیند. ما دانشجویی و فرهنگي دانشگاه، استادی سخنشوش برای اعتلای فرهنگ و دانشجو. علی‌رغم کار بسیار آمده است تا دو جوان رعنا را حامی و قوت قلب باشد. آخر آن دو جوان برومند نماینده کانوا (التیام‌الد). خیریه‌ای دانشجویی که می‌کوشد کار خیر را از مهابان ابتدای تحصیل در بین دانشجویران علوم پزشکی نهاده‌ند. یکی از دو جوان سخن آغاز می‌کند. آران خاموش. صداقت و مهربانی جوانی در کلاش موج می‌زند. اما توان علمي، محبودشان می‌گوید اما بزرگی همت‌شان تحسین برانگیز است. نوبت به دکتر فاطمی می‌رسد: استاد و رئیس مرکز تحقیقات سوختگی دانشگاه. مانیال است اما موهایی سپیدش نشان از درد دل بیماران سوخته‌اش دارد. با بیم و امید، انجمن حمایت از بیماران سوخته را دوباره احیا کرده است. خاطره‌ای می‌گوید از قول زنی سوخته که پس از چند سال کار و جراحی‌های گوناگون از دست داده. «آقای دکتر وقتی اولین‌بار که نزد شما آمده بودم تصمیم گرفتم اگر مردم جواب نکتی خودم را از زخیر مانتین بیندازم، یا دیگر این زن که شوهرش او را با یک زنجیرش به اسان خدا رها کرده بود پس از یکی از جراحی‌های موفقش به دکتر می‌گوید «آقای دکتر پس از سه سال برای اولین‌بار توانستم با دستن خاتم برای دخترم غذا بپزم». بغض می‌کند. دکتر می‌گوید: خیلی از متکدیان میدان ونک، سوختگانی هستند که به خاطر ناتوانی در پیگیری درمانشان در بیمارستان سوختگی، رو به گدایی اُروده‌اند. می‌گوید: بیماران سوخته از مطولترین بیماران هستند. فقیرند و به خاطر روند پیچیده، دشوار، هزینه بر و طولانی بهبود آنها، پیگیری درمانشان در اکثر موارد رها می‌شود. نیاز به جراحی‌دمائی، فیزیوتراپی، گفتاردرمانی، روان‌درمانی، مشاوره و دهم خدمات تخصصی دیگر رسیدگی به امور آنان را خارج از توان دولت یا یک نهاد می‌کند. تنها مشارکت می‌می‌تواند. هر‌مهمی بر جسم و جان سوختگان باشد. از‌مردم خضاعتان طلب کمک می‌کند.

سپس دکتر دهمرده‌ای رئیس بیمارستان سوختگی شیپه نظری تصاویر خود را به نمایش می‌گازارد. می‌گوید تصاویر خیلی تاحری کننده را برای نمایش انتخاب نکرده است اما همین تصاویر برای متقلب کردن حال جمع کافی بود. می‌گوید آمار سوختگی ما با کشورهای پانده مند و پنگادادش برابری می‌کند. باید فرهنگ‌سازی کرد. باید مردم را از مخاطرات سوختگی و عواقب جاسوز او آگاه کرد. باید، باید، باید... آخر می‌گوید پیدایش پس است، فقط باید یک کارکرد، باید مکنای، می‌توصیه یکسوکت خیرین دکتر جابری، همت و اولویت جمع بر تشکیل ستاد مردمی حمایت از بیماران دچار سوختگی قرار می‌گیرد. صالوت بر محمد و آل محمد ندای پایانی جمع است. ای رسول رحمت! ما از نزد خدایمان شفاعت کن تا توفیق کمک به سوختگان را نصیبمان گرواند. در آخر می‌شانم تا پیغام را به گوش این بزرگواران برسانم.

یاد ما سَعْدی می‌افتم. منت خدای را عز و جل ... هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرج فلتا... می‌دانیدم هم‌چسک بهتر از بیمار نفسی این کلام شجیع راخ با تمام وجود درک نمی‌کنم. با‌فلاصله بیماران دچار سوختگی در نظرم این‌چنین خدایا! آتش جهنم نیز این گونه است؟! پناه بر تو آخ خدای رحمتی. نه! راهی هست. رحمت تو بی‌پایان است. بیماران سوخته را راهی به سوی بهشت هست. آخر آنها ترا دارند. ما مغالیم و آنها هوشیار. آنها در تو را دارند و ما درد خود.

زمان می‌گذرد. آتش بر جانم افنده است. چه کنم خدایا! دومین جلسه ستادمردمی حمایت از بیماران دچار سوختگی است و من هیچ کاری نکرده‌ام. این بار دکتر جابری را در راه می‌بینم و با‌فلاصله دکتر دلشاد را خدایا چه توفیقی تصمیم کردی. به اتفاق جلسه می‌رویم. دکتر دهمرده‌ای زودتر از همه آمده است. دکتر دلشاد شروع می‌کند: بسبب... الرحمن الرحیم. آخر او بر امید به رحمت الهی است و البته از سیاست و تعارف، مردم تدبیر. می‌گوید به خدا و رحمتش امیدوارم و دلسته مردمی هستم که صفای دلشان را با‌سلاها با دهم وجود دریافت‌ام. فکر این دکتر جابری می‌خواهد که سخن آغاز کند. می‌گوید: صیباتی‌ام غفل نمی‌توانم. از کاستی‌ها و نعلل در روند پیشرفت امور خیریه‌ها عصبانی بود. پس دکتر دهمرده‌ای رشته کلام را به دست گرفت. این بار هم تأمل برانگیزی می‌گفت. این که هزینه دارو و درمان یک بیمار دچار سوختگی حد بالغ بر ۹۰۰ میلیون تومان است! و با تعداد بایلی بیماران دچار سوختگی، ارائه خدمات خارج از توان دولت است. گله‌مند باد آرام از می‌اضافی بعضی‌ها که انکمسا ناصحیح و قلب واقعیت‌ها در سانه‌ها می‌کند. دکتر جابری او را به صبر فراخواند و گفت: ذات مردم چنین است. هر که در این بزم قربت بر آست است، جابم جلا بیشترس می‌دهند. دکتر جابری کلامش را با تکیه بر تعیین وظایف و تقسیم کار پی گرفت. در این میان رئیس دانشگاه دکتر محمد حاجی میراسماعیل و دکتر پایدار معاون درمان به جمع‌نام پیوستند.

هر کس دکتر حاجی میراسماعیل را می‌شناسد می‌داند چه انسان آرام و متینی است و البته عاشقش قلب بکره‌ها کار خیر. اما چه شده است که این وجود آرام چنین متقلب است؟ به جمع سلام و در آنها عذرخواهی می‌کند. بیانش را مستقیم با گله‌گذاری از با‌اخلاقی‌ها شروع می‌کند: «آخر چگونگی هوزان در از زمین نفوذی در کس که سهم بیماران را جلب‌بالاحادث سوختگان در اک» است، به وهای دیگر واکلام؟...» «آخر خودم و دکتر آریان به نمایندگی از طرف وزیر و همچنین دکتر دهمرده‌ای بر بالین‌شان حاضر شدیم، آنچه در توانمان بود کردیم. باز چنین می‌گویند. گویی ما در مردم را نداریم». دکتر دهمرده‌ای در دکت دلشاد و دکتر جابری گفتند: چه بهتر! از این مسئول محترم هم دعوت می‌کنیم که ستاد مردمی حمایت از بیماران دچار سوختگی هم دعوت می‌از نزدیک درد آنها را لمس کنند. مشتاق کمک‌هایشان می‌شیم. نوبت به دکتر فاطمی می‌رسد. این بار نیز می‌گوید حمایت از بیمار دچار سوختگی یک حمایت همه‌جانبه است که جز از دست مردم بر نمی‌آید.

دکتر جابری پادی از هزمدن توانا آقای می‌شناسد می‌داند چه انسان گه‌ونه در مراسمی خیریه بر جمع‌آوری مبلغی عظیم از مردم اثری مهم می‌گذارد. من نیز به یاد جهان‌پهلوان تختی می‌افتم و زلزله بونین‌زهر، البته وارتخانه‌های مختلف و نقش‌شان در فرهنگ‌سازی و پیگیری از سوختگی و حمایت از بیماران سوخته جلو چشمانم زره می‌روند: رفا، صنعت و معدن، آموزش و پرورش، نیرو، نفت و البته شرکت دخانیات. دیگر در جمع کسی نیست که درباره نقش رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما در این باره شکی داشته باشد.

جیگاه آتش‌نشانی و شهرداری که می‌باید است. راستی چرا شبکه‌های اجتماعی به یاری و حمایت از بیماران سوخته بر نمی‌آیند؟ آری! هزاران راه برای رسیدن به خدا هست به تعداد نعت خیر ادیبی! جلسه به پایان می‌رسد.

دوباره از دکتر جابری تشکر می‌کنم. می‌گوید اگر قرار بر قرار مادیات بود، امام حسین(ع) محبوب دل‌ها نبود. بعدا دکتر دلشاد به من می‌گویند دکتر جابری از کشفیات سفر سال‌های دور او به خانه خداست.

آری! توفیق دیدار مردان خدایی را باید از خدا طلبید. باز به‌سوی

اتفاق کلام را می‌گردم. این آغاز سفر است. در یک دعا می‌کنم که هر یک از گه‌ونه که آتش را بر اهریمت گلستان کردی به یاد دندانگان مغربت بینداز تا آتش درد سوختگان را با استعانت از ذات مقدست سر و زمین سانداز. پس بباید با قدمی یا قلمی، «باری کنیم آنانی را که سفير درد سوختگانند».

\* **عضو هیأت علمی گروه فارماکولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران و ستاد مردمی حمایت از بیماران دچار سوختگی**

**وبسایت ستاد: khayers.iums.ac.ir**

سرویس خبری: رئیس قوه قضائیه حضور پرشور و عاطفی مردم ایران در مراسم تشییع پیکراهی جانیانکشان حادثهٔ من را نشان از همبستگی و همدلی مردم ایران دانست و با قدرتی از این حضور باشکوه گفت: حضور مردم در مراسم تشییع جانیانکشان حادثهٔ منام ملو از عواطف و احساسات و تسلی خاطر بازماندگان بود و باید قدر این همدلی و همبستگی را دانست.

در جلسهٔ مسئولان عالی قضایی گفت: این انسابت و عواطف مردم جای شکر دارد و نشان می‌دهد که قلوب ملت ما به هم نزدیک است و جدایی جسمانی افراد مانع نزدیکی روح و عبق باطن آنها به یکدیگر نخواهد شد.

رئیس قوه قضائیه: رفقا و ناشایست سویدی‌ها در برخورد با این

سرویس شهرستانها: دولت جمهوری اسلامی تاکنون جلساتی را برای بررسی، پیگیری و مدیریت حادثهٔ من تشکیل داده است که اساس آن وزارت اطلاعات مکلف شد مستندات این حادثه را جمع‌آوری کند تا بر اساس این مدارک عمد یا غیر عمد بودن این حادثه مشخص شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود علوی وزیر اطلاعات در آیین تشییع جانیانکشان حادثهٔ من استان فارس در حرم مطهر حضرت احمدبن موسی (شاهچراغ(ع) شیراز با اعلام این خبر، اضافه کرد: وزارت اطلاعات کار خود را در این زمینه آغاز کرده است.

حادثه، کوتاهی نسبت به رسیدگی به وضع مجروحان و بی توجهی نسبت به اصل بروز حادثه و اطلاع رسانی‌های غلط و غیرفعال که احتمالاً به قصد تحریف افکار عمومی بوده، از نکات قابل توجه در بررسی و تعقیب این حادثه است.

او نهمت زند به دیگر کشورها را از دیگر مسایل قابل توجه در این حادثه توصیف کرد و اظهار داشت: این حادثه و مسایل مختلف آن نشان دade که سوده‌ای لیاقت مدیریت چن نه ندارند و کشورهای اسلامی و جهان فکری به حال این حادثه بکنند.

رئیس قوه قضائیه با تأکید براین که کشورهای اسلامی و سازمان‌های مرتبط با کشورهای اسلامی و جهان اسلام باید چارهای برای مدیریت حج بیندیشند افزود: باید کشورها و سازمان‌های اسلامی طرخی را پیش بینج کنند که مسالهٔ اداره و

وی افزود: حادثهٔ من تنها موضوع جمهوری اسلامی نیست بلکه موضوع مهم جهان اسلام

۲۲ کشور اسلامی عزادان است که این مهم بیانگر ضرورت حفظ ملت ایران با این حادثه است که بعد از عملیاتی در راه و کشورهای اسلامی باید این موضوع را پیگیری کنند

او اظهارداشت: همچنین معاونت حقوقی ریاست جمهوری مسئول تهیه بیان حقوقی و اعاده دعوی از طرف ایرانی به نمایندگی از خانواده‌های داغداره‌های برای اقدام در مجامع حقوقی بین المللی شد تا اقدام شایسته‌ای را توانستند از عمق این فاجعه و خشم ملت‌های مسلمان بکنهاند.

افزوده: موضوع با صلابت رهبر معظم انقلاب در خصوص حادثهٔ من نقطه عطفی درد که موجب شد مقامات سعودی مراتب تسلیت خود به ملت ایران را اعلام کنند.

وی افزود: با پیگیری حادثهٔ من تلاش می‌کنم عزت این فاجعه و مراتب تسلی خانواده‌های داغداره‌یو نامین مردم‌شیراز، پیکر ۲۲ نفر از جانیانکشان حادثهٔ من در دیروز از حرم مطهر حضرت شاهچراغ(ع) در این زمینه دلنشینده و اجرا شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علوی با بیان این که حادثهٔ من اصل و

مدیریت حج با این گونه فجایع و حوادث همراه نشود که قابل گذشت و بخشش نیست.

«برجام و پرداخت غرامت»
آیت‌الله املی لاریجانی به رفتار آمریکایی‌ها در نحوه برخورد با اجرای برجام و پیوند دادن آن به موضوع پرداخت غرامت از سوی ایران اشاره کرد و با تأکید براین که چنین رفتاری غیرمنطقی و مغایر با رفتارهای واقعی آمریکایی‌ها در انجام مذاکره بوده است، گفت: کسانی که با مسیر این مسأله آشنا هستند و می‌دانند که نامه ابتدایی برای انجام مذاکرات چگونه بود و آمریکایی‌ها در ادامه چه کردند، می‌دانند که پس از دانستن برجام هم مرتبط با کشورهای اسلامی و جهان اسلام باید چارهای برای مدیریت حج بیندیشند افزود: باید کشورها و سازمان‌های اسلامی طرخی را پیش بینج کنند که مسالهٔ اداره و

وی افزود: حادثهٔ من تنها موضوع جمهوری اسلامی نیست بلکه موضوع مهم جهان اسلام

۲۲ کشور اسلامی عزادان است که این مهم بیانگر ضرورت حفظ ملت ایران با این حادثه است که بعد از عملیاتی در راه و کشورهای اسلامی باید این موضوع را پیگیری کنند

او اظهارداشت: همچنین معاونت حقوقی ریاست جمهوری مسئول تهیه بیان حقوقی و اعاده دعوی از طرف ایرانی به نمایندگی از خانواده‌های داغداره‌های برای اقدام در مجامع حقوقی بین المللی شد تا اقدام شایسته‌ای را توانستند از عمق این فاجعه و خشم ملت‌های مسلمان رسیدگی به اضافه: موضوع با صلابت رهبر معظم انقلاب در خصوص حادثهٔ من نقطه عطفی درد که موجب شد مقامات سعودی مراتب تسلیت خود به ملت ایران را اعلام کنند.

وی افزود: با پیگیری حادثهٔ من تلاش می‌کنم عزت این فاجعه و مراتب تسلی خانواده‌های داغداره‌یو نامین مردم‌شیراز، پیکر ۲۲ نفر از جانیانکشان حادثهٔ من در دیروز از حرم مطهر حضرت شاهچراغ(ع) در این زمینه دلنشینده و اجرا شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علوی با بیان این که حادثهٔ من اصل و

مدیریت حج با این گونه فجایع و حوادث همراه نشود که قابل گذشت و بخشش نیست.

«برجام و پرداخت غرامت»
آیت‌الله املی لاریجانی به رفتار آمریکایی‌ها در نحوه برخورد با اجرای برجام و پیوند دادن آن به موضوع پرداخت غرامت از سوی ایران اشاره کرد و با تأکید براین که چنین رفتاری غیرمنطقی و مغایر با رفتارهای واقعی آمریکایی‌ها در انجام مذاکره بوده است، گفت: کسانی که با مسیر این مسأله آشنا هستند و می‌دانند که نامه ابتدایی برای انجام مذاکرات چگونه بود و آمریکایی‌ها در ادامه چه کردند، می‌دانند که پس از دانستن برجام هم مرتبط با کشورهای اسلامی و جهان اسلام باید چارهای برای مدیریت حج بیندیشند افزود: باید کشورها و سازمان‌های اسلامی طرخی را پیش بینج کنند که مسالهٔ اداره و

وی افزود: حادثهٔ من تنها موضوع جمهوری اسلامی نیست بلکه موضوع مهم جهان اسلام

۲۲ کشور اسلامی عزادان است که این مهم بیانگر ضرورت حفظ ملت ایران با این حادثه است که بعد از عملیاتی در راه و کشورهای اسلامی باید این موضوع را پیگیری کنند

او اظهارداشت: همچنین معاونت حقوقی ریاست جمهوری مسئول تهیه بیان حقوقی و اعاده دعوی از طرف ایرانی به نمایندگی از خانواده‌های داغداره‌یو نامین مردم‌شیراز، پیکر ۲۲ نفر از جانیانکشان حادثهٔ من در دیروز از حرم مطهر حضرت شاهچراغ(ع) در این زمینه دلنشینده و اجرا شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علوی با بیان این که حادثهٔ من اصل و

مدیریت حج با این گونه فجایع و حوادث همراه نشود که قابل گذشت و بخشش نیست.

«برجام و پرداخت غرامت»
آیت‌الله املی لاریجانی به رفتار آمریکایی‌ها در نحوه برخورد با اجرای برجام و پیوند دادن آن به موضوع پرداخت غرامت از سوی ایران اشاره کرد و با تأکید براین که چنین رفتاری غیرمنطقی و مغایر با رفتارهای واقعی آمریکایی‌ها در انجام مذاکره بوده است، گفت: کسانی که با مسیر این مسأله آشنا هستند و می‌دانند که نامه ابتدایی برای انجام مذاکرات چگونه بود و آمریکایی‌ها در ادامه چه کردند، می‌دانند که پس از دانستن برجام هم مرتبط با کشورهای اسلامی و جهان اسلام باید چارهای برای مدیریت حج بیندیشند افزود: باید کشورها و سازمان‌های اسلامی طرخی را پیش بینج کنند که مسالهٔ اداره و

سرویس شورای اسلامی و خیرگان ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

سرویس شهرستان‌زن‌یس ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: رئیس ستاد انتخابات کشور رفقا را برای انتخاب فرد صالح‌تر و وفاتت را برای ایجاد همدلی و همزبانی داشته باشیم.

### اخبار داخلی

رئیس قوه قضائیه افزود: مرتب شددن موضوع برجام با پرداخت غرامت برای اقلامات به ادعای آنان تفریستی در لبنان و سایر کشورها جای تعجب دارد.

«گستاخی‌های آمریکا»
رئیس قوه قضائیه افزود: آمریکایی‌ها حمله به هویامیای مسافریری ایران و کشتن نزدیک به ۳۰۰ مسافر ایرانی را فراموش کرده‌اند و حال مدعی غرامت هستند: در حالی که غرامت را دولت ایران باید بپردازد نه آنها که از کودتای ۲۸ مرداد تا به امروز جنایت‌های فراوانی نندش علیه ملت ما انجام داده‌اند.

او به جنایت‌های آمریکا در اطراف و اطراف دنیا و بینام تا عراق و افغانستان نیز اشاره کرد.

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم

رئیس قوه قضائیه بااشاره به برخی مقادیر برخورد دستگاه قضایی با جرائم و رسیدگی به جرائم



#### اخبار کوتاه ورزشی

#### دعوت ۱۹ بازیکن به اردوی تیم ملی فوتبال بانوان

۱۹ بازیکن به اردوی تیم ملی فوتبال بانوان دعوت شدند. به گزارش ایسنا، ۱۹ بازیکن به نخستین اردوی تدارکاتی تیم ملی فوتبال بانوان که از ۱۷ تا ۲۱ مهر برای حضور قلدرتمند در جام جهانی گواتمالا برگزار می‌شود دعوت شدند.

فرشته کریمی، نغمه مرادی، فرزانه توسلی، نسیمه غلامی، سپیده زرین راد، نیاوفر اردلان ، نستینرقمقی ، سحر پای، سهیلا ملمولی، طاهره همدی، زهره میثمی، فرشته خسروی و فاطمه پایی لایلا خدابندهلواعظم آخوندی ،فاطمه اعتدادی، مهسا نظری ، سارا شیریکیی و فهیمه زارعی ۱۹ بازیکنی هستند که از سوی فروزان سلیمانی سرمربی تیم ملی به این اردو دعوت شده اند. تیم ملی فوتبال بانوان ایران که به مقام قهرمانی آسیا رسیده به همراه ژاپن نمایندگان آسیا در جام جهانی هستند. جام جهانی آذر به میزبانی گواتمالا برگزار می‌شود.

#### بانوان اعزامی به مسابقات جودو آسیا معرفی شدند

تیم‌های نوجوانان و جوانان جودو ایران در بخش بانوان با هشت جودوکار در رقابت‌های قهرمانی آسیا شرکت می‌کنند.

به گزارش مهر، این دوره از مسابقات از روز جمعه در بانکوک آغاز می‌شود که تیم بانوان ایران در هر رده سنی با چهار جودوکار به مصاف رقبای خود می‌رود.

تیم نوجوانان ایران با شیوا جهانگیری در وزن ۴۴- کیلوگرم، لایلا سیلویشی در وزن ۴۸- کیلوگرم، نگین نظری در وزن ۵۷- کیلوگرم و مریم بریط در وزن ۷۰- کیلوگرم فردا عازم این رقابتها خواهند شد. همچنین صدیقی قاسمزاده در وزن ۵۲- کیلوگرم، زهرا نادری در وزن

۵۷- کیلوگرم، فاطمه آقاجانی در وزن ۶۳- کیلوگرم و زهرا باقری در وزن ۷۸- کیلوگرم در رده جوانان روز پنجشنبه عازم این رقابتها خواهند شد. هدایت این تیم برعهده راضیه سلیمی است. هشتمین دوره رقابت‌های جودو قهرمانی نوجوانان و ۱۲ دوره رقابت‌های جوانان آسیا طی روزهای ۱۷ تا ۲۰ مهرماه به میزبانی تایلند در شهر بانکوک برگزار می‌شود.

#### مسابقات رده سنی - تایلند

#### تیم های واترپلو ایران و ژاپن در نیمه نهایی

تیم واترپلو زیر ۱۷ سال ایران با پیروزی بر تایلند به مرحله نیمه نهایی مسابقات واترپلو رده‌های سنی آسیا ۲۰۱۵ – بانکوک صعود کردند. به گزارش فدراسیون شنا، شیرجه و واترپلو، تیم واترپلو زیر ۱۷ سال ایران دیروز در مرحله یک‌چهارم نهایی مسابقات واترپلو رده سنی آسیا مقابل تایلند به میدان رفت. ملی‌پوشان در این دیدار برقدرت ظاهر شدند و با نتیجه ۲۲ بر ۶ تایلند میزبان را از پیش رو برداشتند. با این پیروزی واترپلو نیتس‌تیم‌های ایران باید امروز در مرحله نیمه نهایی با ژاپن صدرنشین گروه B این رقابتها دیدار کنند.

در دیگر مسابقه این مرحله هم چین پس از پیروزی ۱۹ بر ۵ مقابل هنگ کنگ، حریف قزاقستان در مرحله نیمه نهایی شد.

#### دیدار تدارکاتی پرسپولیس؛ فردا برابر پاراک

تیم فوتبال پرسپولیس فردا در دیداری تدارکاتی برابر تیم پاراک به میدان می‌رود.

به گزارش مهر، پاراکو ایوانکوویچ که پس از ضایعه پیش آمده برای هادی نوروزی کاپیتان تیم پرسپولیس چند جلسه تمرین را به دلیل شرایط روحی بازیکنان تعطیل و بازی دوستانه پرپروز را هم لغو کرد، شاگردان خود را فردا در دیداری دوستانه به میدان می‌برد تا مراحل آماده‌سازی روحی وروانی تیم طی شود. با توجه به شرایط بازیکنان پرسپولیس، فردا تیمی از آسیابوون تهران در نظر گرفته شده است. تیم پاراک که در مکان دوم رقابت‌های لیگ قهرمانی تهران حضور دارد، ساعت ۱۶ در ورزشگاه درفش‌فری به مصاف تیم فوتبال پرسپولیس خواهد رفت.

#### شکست یزد گسالان استقلال مقابل امیدها

تیم فوتبال استقلال که خود را برای ادامه حضور در مسابقات لیگ برتر آماده می‌کند،دیروز در دیداری تدارکاتی مقابل امیدهای این باشگاه قرار گرفت و با نتیجه ۲ بر یک بازی را به امیدها واگذار کرد. به علت نبودن داور رسمی برای قضاوت این دیدار، محمد نوازی به همراه تدارکات و مسائرون تیم این بازی را قضاوت کردند. در این دیدار میلاد شهباززاده و عرفان بادی برای امیدهای استقلال گل زدنند ولی و پوروش و تگ‌گل استقلال را به ثمر رساند. ضمن اینکه در جریان این بازی، سجاد شهباززاده هم یک ضربه پانالتی را در دست داد. قرار است روز جمعه استقلال در زمین شماره یک راه‌آهن یک دیدار دوستانه را مقابل تیم راه‌آهن برگزار کند.

سرویس سیاسی – اجتماعی؛ رئیس سازمان بهزیستی با بیان این که بیش از ۵۰ درصد معناتان را افرادی متاهل تشکیل می دهند، از افزایش اعتیاد بر میان زنان خبر داد. به گزارش ایرنا،ناتوسیروان محسنی نطنبی در همایش کارزار رسانه ای پیشگیری از مصرف شیشه با تاکید بر این که بیکاری علت اصلی اعتیاد نیست، چون درصدی از معناتان را شاغلان تشکیل می دهند، افزود: اعتیاد،حالت فراگیری در کشور پیدا کرده است و متأسفانه با دره بین هم نمی توانیم جایی پاک از اعتیاد در کشور پیدا کنیم. محسنی نطنبی با بیان این که بیش از ۵۰ درصد معناتان متاهل هستند، گفت:اعتیاد برعکس پدیده‌های اجتماعی دیگر، در شرایط می افزایی آثار سوء دیگر را هم فراهم می کند به طوری که به عنوان مثال بر اساس آمارهای پیش از ۵۰درصد طلاق ها، ۲۵ درصد کودک آزاری و مهرسازاری ۳۵درصد سایر جرائم مربوط به اعتیاد است . وی آثار سوء محسنی نطنبی با اشاره به وجود قتل دادست و افزود: قاچاقچی مواد مخدر از هیچ کار خلاف قانون و اخلاق ایایی ندارد. وی با اشاره به این که دو رویکرد منفی اعتیاد در جامعه وجود دارد، گفت: اعتیاد،افزود،: نخست آنکه الگوی اعتیاد از مصرف ستی به سمت مصرف مواد صنعتی در حال حرکت است، به طوری که شیشه به عنوان پرمصرف ترین ماده صنعتی در جامعه در حال رواج است. دومین رویکرد منفی اعتیاد به این است که زنان در کشور قیلا از پدیده اعتیاد دور بوند اما اکنون اعتیاد در زنان به شکل معناداری افزایش یافته است. وی تاکید کرد: باید از ظرفیت مدیریتست و برنامه ریزی و مبتنی بر شواهد رسانه ها در کنترل اعتیاد استفاده کنیم زیرا هرچه دانش اعتیاد را در جامعه ارتقا دهیم، مردم کمتر به مواد اعتیادآور سوق پیدا می کنند. محسنی نطنبی با اشاره به وجود یک میلیون و ۳۰۰ هزار معناد در کشور گفت: به طور قطع افراد درگیر

گفت: در ده روز نخست مهر امسال جاری حدود ۴۰ میلیون نفر تحت گاز به خودروهای مسنگین اختصاص یافته است و این در حالی است که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۵ درصد کاهش داشته است. وی با اشاره به آثار مثبت اقتصادی حاصل از اجرای طرح پیمایش افزود: ما به تفاوت نفث گاز اختصاص یافته در این طرح می تواند صادر و ارزش واقعی این فرآورده مهم به سیستم اقتصادی کشور بازگردد.

مدیر عامل شرکت ملی پالایش و پخش

فرآورده‌های نفتی از کاهش حدود ۱۵ درصدی عرضه نفت گاز با اجرای طرح پیمایش از ابتدای مهر سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل خبر داد.

به گزارش فارس به نقل از مدیر اطلاع رسانی شرکت ملی پالایش و پخش، عباس کاظمی در بازدید از مرکز داده‌های سامانه هوشمند سوخت و روند اجرای طرح پیمایش نفت گاز در این مرکز

ردیف	موضوع مناقصه	نوع مناقصه	شماره مناقصه	آخرین مهلت دریافت اسناد	آخرین مهلت ارسال پیشنهادات توسط فروشنده گان
۱	REGULATOR VALVE-FISHER	منافصه عمومی	94-T-116	KAS-860925	نوبت دوم در آرای ارائه دروز پس از درج آگهی
۲	Calibration Accessories(ABB)	تجدید مناقصه	94-T-117	KAD-933130	نوبت دوم در آرای ارائه دروز پس از درج آگهی
۳	CAPACITOR BANK-VISHAY	منافصه عمومی	94-T-118	KAS-900681	نوبت دوم در آرای ارائه دروز پس از درج آگهی

**نحوه در یافت اسناد:** کلیه تامین کنندگان و سازندگان می توانند نام اعلام آمادگی شرکت در مناقصه را به آدرس ایمیل ذکر شده ارسال نمایند. ذکر شماره تقاضا در Subject ایمیل الزامی میباشد.

**تضمین شرکت در مناقصه:** ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی ضمناً متقاضیان می توانند متن آگهی فوق را در سایت WWW.MPC.IR مشاهده نمایند .

## روابط عمومی پتروشیمی مارون

# مرور کارهای تاکتیکی تیم ملی فوتبال برای شکست عمان

## کاوه رضایی: بازی با عمان فوق العاده مهم است



مهاجم تیم ملی فوتبال ایران گفت: دعوت به تیم ملی برای رفتن اعتماد به نفس جوانان فوتبال ایران شده است و همچنین تجربه کارلوس کی‌روش کمک حال فوتبال ما است.

بسه گزارش مهر، کاوه رضایی مهاجم ملی‌پوش جوان و آینده‌دار تیم فوتبال دوب‌آهن اصفهان در گفتگو با سایت فدراسیون فوتبال در باره دعوت شدن به تیم ملی، اردوی آماده سازی امارات گفت:

– حضور در اردوی تیم ملی برایم افتخار است. همه بازیکنان آرزو دارند در تیم ملی حضور باشند،

حتی تنها در اردوهای تیم. من هم خوشحالم که دوباره به تیم ملی دعوت شدم. قرار بود زودتر از این در لیست باشم اما به خاطر شرایطی که به وجود آمد و

شکستگی بینی ام یک هفته در تهران زیر نظر پزشکان کار کردم. وقتی آنها گفتند مشکلی برای حضور در بازی ندارم، کادر فنی تیم ملی صلاح دید و من را

به اردو دعوت کند.خدا را شکر شرایط خیلی خوبی دارم. در حال حاضر تلاش می‌کنم از تجربه مربیان

سوشا کمکانی، علیرضا بیرانوند و رشیدظاهری زیر نظر دن گاسپار تمرینات اختصاصی متنوعی را برگزار کردند.

**تیم ملی امروز پرواز می‌کند**

تیم ملی کشورما امروز بعدازظهر با تمامی نفرات دبی برای به قصد مسقط ترک می‌کند. ملی‌پوشان کشورما ساعت ۱۶ با پروازی مستقیم از امارات راهی عمان می‌شوند تا خود را برای دیداری

## داورزنی: کواچ تغییر ات را نپذیرد بر کنار می‌شود

سایت لهستانی اعلام کرد: کواچ نباید نگران شغل جدید باشد

یک سایت لهستانی با بررسی شرایط اسلوپودان کواچ در تیم ملی ایران نوشت: به نظر می‌رسد از قبل سرنوشت وی را تعیین کرده‌اند و جدایی از تیم ملی ایران نباید برای کواچ خیلی دردناک باشد. به گزارش خبرگزاری مهر، در حالی که اسلوپودان کواچ با سرنوشت نامعلومی در تیم ملی والیبالی ایران مواجه شده است در لهستان استافان آنتیکاشرابط دیگری دارد.

سایت sportowefakty لهستان در گزارشی ویژه به این تفاوت پرداخته است. به نظر می‌رسد از قبل در ایران سرنوشت کواچ را تعیین کرده‌اند و جدایی از تیم ایران برای وی خیلی دردناک باشد. در اروپا هنوز فقط ۳۱۷ روز تا المپیک زمان داریم و متأسفانه زمان‌های زیادی را از دست داده‌ایم. شرایط حال حاضر با ۴ سال پیش از زمین تا آسمان متفاوت است اما باید تلاش کنیم تا همه چیز را به قبل بازگردانیم

بنا که مثل همیشه سعی می‌کرد با حرف‌هایش انرژی مثبت به تیم تزریق کند صحبت‌هایش را اینگونه ادامه داد: اگر با هم یکی شویم و فعل خاوستن را به خوبی صرف کنیم با هم می‌توانیم شرایط خوبی را بر تیم ملی حکم فرما کنیم. باید همه با علی بگیریم و دست در دست هم دهیم تا باز هم کشتی فرنگی را به جایگاه شایسته‌اش برسانیم"

وزیر بهداشت، افزایش مطالبات مردم در حوزه سلامت را باعث افتخار عنوان کرد و گفت:افزایش مطالبات مردم باعث می شود مسئولین نتوانند به عقب برگردند. دکتر سید حسن هاشمی در بازدید از مجتمع آموزشی، پژوهشی درمانی حضرت رسول اکرم(ص)، گفت:متأسفانه بیمارستان‌های آموزشی بیشتر مراکز سالمه صورت گرفته مصون بوده است. هاشمی با تاکید بر لزوم تولد اجرای طرح تحول سلامت در دولتهای مجلس‌های آینده گفت: اگر مطالبات مردم افزایش پیدا کند باعث می‌شود که سیاست‌گذاران و مسئولین نتوانند

ضرب‌الاجل وزارت بهداشت برای توقف تولید روغن‌های نیمه جامد رئیس دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت مهلت تعیین شده برای توقف تولید روغن‌های نیمه جامد را تا پایان سال ۹۵ اعلام کرد . دکتر زهرا عبداللهی در گفتگو با ایسنا درخصوص مهلتی که به کارخانجات تولید روغن برای توقف روند تولید روغن‌های نیمه جامد داده شده است، گفت: تا پایان سال ۹۵ به کارخانجات روغن فرصت داده شده است که تولید روغن‌های نیمه جامد را حذف کنند، دیگر روغن نیمه جامد نداشته باشیم و به جای آن روغن جامد را اسید چرب ترانس از سازمان استاندارد، باشیم. وی افزود: اکنون در کارگروه تخصصی مسائل از سازمان استاندارد، غذا و دارو، دفتر بهبود تغذیه و صنایع غذایی، استاندارد قند، نمک، شکر و روغن در محصولات غذایی در حال بازنگری است.

نمایشگاه گروهی سفال درنگارخانه کمال الدین بهزاد نماینده‌گاه گروهی سفال با عنوان"جادوی سرزمین احساس" از ۱۸ تا ۲۳ مهر درنگارخانه کمال الدین بهزاد برگزار می شود. مراسم افتتاحیه این نمایشگاه ۱۸ مهر از ساعت ۱۶ تا ۱۹برگزار می‌شود و مساعت دیدار برای عموم علاقه‌مندان در روزهای دیگر از ساعت ۱۰ تا ۱۹تا خواهد بود. نگارخانه کمال‌الدین بهزاد به نشانی بلوار کشاورز، نش خیابان ۱۶، آذر شماره ۲۸۴واقع است.

\*\*\*\*\***آگهی**\*\*\*\*\* در اجرای ماده ۲۹ آئین‌نامه اجرائی قانون کانون کارشناسان رسمی بدینوسیله به اطلاع کلیه کارشناسان عضو کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان آذربایجانشرقی می‌رساند، برای انتخاب ارکان کانون مذکور جلسه مجمع عمومی کانون تشکیل خواهد شد کسانی که داوطلب عضویت در هیات مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان آذربایجانشرقی و دادستان انتظامی و بازرس کانون می‌باشند طرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی در دفتر کانون مذکور ثبت نام نمایند.

**شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری** \*\*\*\*\***آگهی**\*\*\*\*\* در اجرای ماده ۲۹ آئین‌نامه اجرائی قانون کانون کارشناسان رسمی بدینوسیله به اطلاع کلیه کارشناسان عضو کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان چهارمحال و بختیاری می‌رساند، برای انتخاب ارکان کانون مذکور جلسه مجمع عمومی کانون تشکیل خواهد شد کسانی که داوطلب عضویت در هیات مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان چهارمحال و بختیاری و دادستان انتظامی و بازرس کانون می‌باشند طرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی در دفتر کانون مذکور ثبت نام نمایند.

## شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری

#### جهان فوتبال

#### کلوب برای هدایت لیورپول قرارداد ۳ساله بست

باشگاه لیورپول پس از برکناری برندان راجرز، یورگن کلوپ، سرمربی سابق بروسیا دورتموند را به عنوان مربی مورد نظر خود برگزیده است.

بسه گزارش "ورزش سه" از یورگن کلوپ و کارلو آنچلوتی، به عنوان جدی ترین گزینه‌های جانشینی یاد می‌شود اما

ویسایت گل دیروز ادعا کرد که آنچلوتی به دلیل بیماری و اقامتش در کشور کانادا، از لیست لیورپولی ها خط خورده و حالا آنها به مذاکراتی جدلی پسا کلوپ فکر می‌کنند. طبق ادعای این منبع، اولین تماس‌ها با کلوپ برقرار شده و قرار است همین هفته،نخستین جلسه مذاکرات بین دو طرف صورت بگیرد.

این در حالی است که رسانه‌های بریتانیایی از توافق سرمربی پیشین دورتموند با باشگاه لیگ برتری لیورپول برای مدت سه سال خبر داده‌اند. دلیی استار و مترو از توافق لیورپول با کلوپ برای مدت سه سال خبر داده‌اند. سایت سیدنی مورنینگ هرالده هم این خبر را تایید کرده و نوشته کلوپ پیشنهاد تیم ملی مکزیک را رد کرده تا سرمربی لیورپول شود. سایت «پروابل» پوستنی هم گزارش داده که کلوپ با زلیکو بواج به عنوان مربی و کمک مربی، هدایت تیم لیگ برتری را بر عهده خواهد گرفت.

#### رنال و التیکو امتیازها را تقسیم کردند

دیدار دو تیم آلتینیکو مادرید و رنال مادرید در شهرآورد مادرید با تساوی یک بر یک به پایان رسید.

به گزارش ایسنا، دو تیم آلتینیکو و رنال در مادرید برابر هم به میدان رفتند. در این دیدار رنال بازی را بهتر شروع کرد و سرانجام خیلی زود فشار مادریدی ها با حرکت زیبای کارواخال خنجر را به بنزما در دقیقه ۹ دروازه میزبان را باز کرد. در این صحنه بنزما با ضربه سسر خود رنال را پیش انداخت. در دقیقه ۲۲ آلتینیکو صاحب یک ضربه پانالتی شد. اما ضربه پانالتی گریزمان را نالاس به شکلی فوق العاده مهار کرد و دروازه تیمش را نجات داد.

در دقیقه ۸۳ حرکت خوب جکسون مارتینز در سمت راست دفاع مادرید و سرزدگی دروازه بان و خط دفاعی این تیم باعث شد تا بازی با نتیجه ۱-۱ خاتمه یافت رنال ۱۵ امتیازی شد تا با بارسلونا هم امتیاز شود و ویارنال در صدر لالیگا قرار گیرد.

#### رکورد جدید زلاتان



مهاجم سوئدی پاری سن ژرمن در لیگ فوتبال فرانسه رکورد جدیدی به جا گذاشت.

به گزارش ساکننت، پاریسی‌ها در هفته نهم رقابت‌های لیگ فوتبال فرانسه مقابل مارسی قرار گرفتند و با حساب دو بر یک موفق به پیروزی شدند. در این دیدار، ابتدا میچی پاچوای در دقیقه ۳۰مارسی را پیش انداخت اما زلاتان ابراهیموویچ با گلزنی در دقیقه‌های ۴۱ و ۴۴ موجب پیروزی پاری سن ژرمن شد.

بدین ترتیب پاریسی‌ها با ۲۳ امتیاز در صدر جدول رده بندی قرار گرفتند و مارس می با هشت امتیاز در رتبه شانزدهم ماند. زلاتان با دو گل که در دیدار مقابل مارسی به ثمر رساند، توانست عنوان بهترین گلزن تاریخ باشگاه پاری سن ژرمن را به دست آورد. او از زمانی که در سال ۲۰۱۲ به این تیم پیوسته است تاکنون ۱۱۰ گل وارد دروازه حریفان کرده است. رکورد پیشین گلزنی در این باشگاه در اختیار پدرو پائولتا، مهاجم برتغالی این تیم بود.

پائولتا در ۲۱۱ بازی توانسته بود ۱۰۹ گل به ثمر برساند اما زلاتان در ۱۲۷ بازی توانست این رکورد را بشکند.

تحول سلامت ارائه شده است باید دقیقاً اجرا شود. باید تلاش کنیم تراز بیمارستان مثبت شود و رضایت تمام کارکنان بیمارستان از پایین ترین تا بالاترین رده ها فراهم شود. وی با اشاره به مشکلاتی که پدیده حاشیه‌نشینی برای بخش درمان در تهران ایجاد کرده است گفت: متأسفانه یک میلیون جمعیت در حاشیه اطراف تهران زندگی می‌کنند که اغلب آنها کارگر هستند و حق بیمه پرداخت می‌کنند ولی حتی یک بیمارستان هم برای آنها ساخته نشده است که فشار این پدیده به بیمارستان‌های شهر تهران تحمیل می‌شود.

## ۱۴ پروژه جدید پتروشیمی سال آینده به بهره برداری می‌رسد

می‌شود که سالانه ۷ میلیارد دلار در بخش پتروشیمی سرمایه گذاری جدید جذب کرد . مدیر برنامه ریزی و توسعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی ادامه داد: تا پایان سال ۹۵ تعداد ۱۴ پروژه جدید پتروشیمی به بهره برداری خواهد رسید.مجمینتعداد ۲۱ پروژه برای استفاده فاینانس چین تعریف شده که اقدامات لازم برای تامین منابع مالی آنها در حال اجرا است.

رسمی خاطرنشان کرد: تسهیل جذب سرمایه گذاری مستقیم، مشارکت در

مجمرو و تامین منابع مالی از پروژه های جدید صنعت پتروشیمی به شمار می‌رود. وی با بیان اینکه برای تولید

۲۵ میلیون تن طرح جدید متانول خیری توسط شرکت پتروشیمی از تصدی‌کری به یک سازمان توسعه‌ای تغییر کرده است. بنابراین در شرایط جدید بخش خصوصی باید اجرای پروژه‌های پتروشیمی را برعهده بگیرد.

پایان سال۹۴ حدود ۶۲ میلیون تن ظرفیت ایجاد می‌شود.

وی با اشاره به اینکه ارزش محصولات پتروشیمی تولید شده تا پایان برنامه ریزی شرکت ملی ۴۰ میلیارد دلار در سال خواهد رسید، تصریح کرد: نقش شرکت پتروشیمی از خیری ضمن اعلام این مطلب گفت: تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

ارزنی و ریالی است. به گزارش فارس، حمیدرضا رسمی‌مدیربرنامه ریزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب گفت:

تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ۲۰

میلیون به ۵۱ میلیون تن رسید و تا

در برنامه ششم ۱۵ طرح اولویت دار وجود دارد که این طرح‌ها نیازمند ۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری

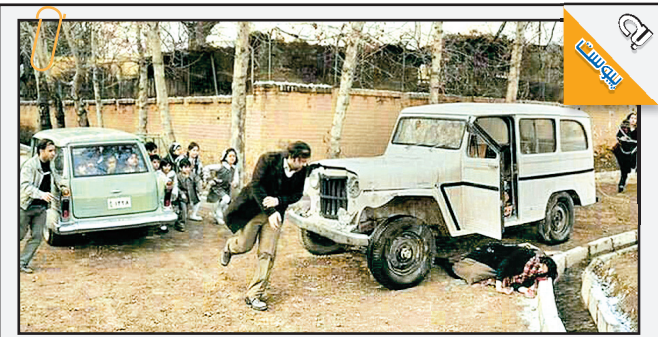












فروغ فرخزاد - ۲۴ بهمن ۱۳۴۵ - تهران

حادثه ساعت چهار و نیم بعد از ظهر دیروز در خیابان لقمان‌الدوله ادهم دروس، چهارراه مرودشت روی داد. شدت تصادف به حدی بود [که] در طرف راننده استیشن فروغ باز شد و فروغ که سرش به شیشه‌ی جلوی استیشن برخورد کرده بود، پس از باز شدن در به گوشه خیابان افتاد و سرش به جدول جوی آب کنار خیابان برخورد کرد و بیهوش شد.

نگاهی به نمایشگاه عکس‌های جهان پهلوان تختی در «گالری شیت»

## در پی دغدغه فراموشی یک قهرمان ملی

۱۴۰۱ مریم نظری

نمایش در آمده بر اساس موضوعیت و همچنین نوع آنها به گونه دیگری است. در این سالن علاوه بر ارائه عکس‌هایی از رقابت‌ها و مسابقات ورزشی تختی در آن سالها و همچنین تصاویری از پرتله‌های مختلف از او، عکس‌های شخصی تر از وی نیز به نمایش در آمده است. مانند عکسی از تختی که پزشک اش مشغول

که اشاره ای نمادین به تاریخ تولد تختی دارد و در پایین تابلو نیز در مقابل عنوان «بهای نشریه» نوشته شده: «تمام شد» و در پایین آن تاریخ مرگ جهان پهلوان به عنوان شماره آخر این نشریه نمادین؛ یعنی ۱۷ دی ۱۳۴۶ آورده شده است.

دیوارهای سالن کوچکتر گالری «شیت» از ردیف عکس‌هایی از تختی پر شده که در پای آنها



عکس‌ها: داود و قهرمان

توضیحاتشان نیز آمده است.

عکس‌های این سالن پیش از این در سال ۹۲ و در همین گالری به مدت یک هفته به نمایش در آمده بود که به دلیل استقبال بسیار از آن و محدودیت زمان برگزاری نمایشگاه در آن سال، مجدداً در این نمایشگاه به تماشا گذاشته شده اند. عکس‌های این بخش از بعضی رقابت‌های تختی، همچنین عکس‌های شخصی تر تختی از حواشی مسابقات و عکس‌های یادگاری او با دوستان و دیگر پهلوانان همدوره خود تشکیل شده است؛ مانند عکس‌های «تختی در دریای رامسر با گیوه چی، فردین، ایزدپناه و...» «تختی در ضیافتی در ژاپن سال ۱۹۵۴» و یا عکس یادگاری او در یک مجلس عروسی با استاد ابوالقاسم رایگان.

اما در سالن بزرگتر گالری، ترتیب آثار به

به کوچ‌ه شیرزاد که رسیدم و چند قدم که جلوتر رفتم، دیگر نیازی به پرس و جو نبود؛ چون پوستر بزرگ آبی رنگ نمایشگاه عکس‌های تختی که کنار در قدیمی گالری «شیت» نصب شده بود، خبر از رسیدن به مقصد می داد. گالری «شیت» به مناسبت بزرگداشت جهان پهلوان تختی نمایشگاهی از عکس‌ها، بریده‌جراید و آثار گردآوری شده از وی را از ۵ شهریور که مصادف با روز تولد تختی است، برگزار کرده بود. گردآوری آثار این نمایشگاه توسط «عباس خجسته پاد» صورت گرفته بود و نمایشگاه به مدت ۲ هفته یعنی تا ۱۸ شهریور ادامه داشت. در روزهای برگزاری نمایشگاه به گالری «شیت» رفتم تا ضمن دیدار از آثار به گفتگو با عباس خجسته پاد؛ گردآورنده عکس‌های تختی و همچنین «شیت یحیایی» مدیر و صاحب امتیاز گالری شیت بنشینم.

### نمایشگاه

با ورود به فضای قدیمی و نوستالژیک گالری با دیوارهایی مواجه می‌شوم که هیچ جای خالی روی آنها نمی‌توان یافت. دیوارهای راهرو و همچنین در سالن گالری از عکس‌ها و آثار مربوط به تختی در چند ردیف منظم زیر هم پر شده است. دریدو ورود، با گودی طاقچه مانند در دیوار راهرو مواجه می‌شوم که با شیشه پوشانده شده و فضای ویرترین گونه‌ای را ایجاد کرده و در آن صفحاتی از روزنامه‌ها و مجلات قدیمی که در آنها خبرها و گزارش‌هایی از رقابت‌های ورزشی تختی منتشر شده، به نمایش گذاشته شده است. کمی آن سوتر، پرتله‌ای از جهان پهلوان به شیوه سیاه قلم روی دیوار است و جلوتر، تابلوی نقاشی که با الهام از جلد مجله «زن روز» توسط «بهداد پنجه زاده» کشیده شده و عنوان «مرد روز» دارد. روی این تابلو، تختی با لباس ورزشی در کنار نشانه‌های نمادین شیر و خورشید که از نشانه‌های تشیع و ایران باستان هستند، دیده می‌شود در حالی که در بالای تصویر او، عنوان «اطلاعات مردان» و زیر این نوشته نیز عنوان «پهلوان جهانیان» آمده است.

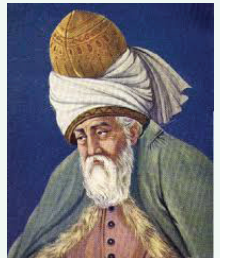
در این اثر نقاشی، تاریخ انتشار نشریه به عنوان شماره اول، پنجم شهریور ۱۳۰۹ ذکر شده

در گذر از هشتم مهر، سالروز مولانا مولوی؛ برگ برنده ما در گفتگو با جهانیان

«ارضا بابایی»

اقبال ایرانیان و بلکه جهانیان به مولوی، از پدیده‌های امیدبخش در جهان امروز است. در میان انبوه صداهای دلخراش و مهیبی که از گوشه و کنار ایران و جهان به گوش‌ها می‌رسد، مولوی ما را به دیدن و شنیدن و عشق ورزیدن فرامی‌خواند. او آموزگاری بزرگ و مهربان است.

در مهربانی او همین بس که با ساده‌ترین زبان ممکن با ما سخن گفته است، و نشانه بزرگی او، دلربایی از فرزندان شرق و غرب عالم است. او بودای اسلام، افلاطون شرق و کنفوسیوس ایران است. دل‌کنند او از علوم رسمی و مقامات علمی، سخت‌تر از دل‌کنند بودا از دنیا بود. او بیش از افلاطون و افلوپین، جهان‌اشراقی ما را گسترش داد و بیش از کنفوسیوس، در دامان ما حکمت و معرفت ریخت. دشمنان او هر قدر هم که بی‌انصاف باشند، نمی‌توانند بیش از چند بیت از ۶۰ هزار بیت او را پیراهن عثمان کنند؛ اما دوستانش می‌توانند همه عمرشان را در جزیره تنهایی، با مثنوی و غزلیات او بگذرانند و زیان نکنند. صمیمت مولوی با ما، هم در مثنوی و هم در غزلیات، شگفت‌انگیز است. هیچکس با ما این‌گونه



ساده و صمیمی و نغزسخن نگفته است. در مثنوی، درباره فخر رازی می‌گوید:

فخر رازی را ز علم را لیتی کند

پیش مرغان ریزد و تی تی کند  
اما آن که نان معرفت را برای گلولی تنگ و نازک  
ما نرم و لپته می‌کند، خود اوست. عقل گیتی نورد او همچون پدری مهربان، ما را بر دوش خود سوار می‌کند تا با ستاره‌ها بازی چوگان کنیم و دست بر سر و روی خورشید بکشیم:

بهر طفل نو پدر تی تی کند

گر چه عقلش هندسه‌ی گیتی کند  
کدام شاعر بزرگ را می‌شناسید که چنین ساده و صمیمی و بی‌هیچ تکلفی ما با سخن گفته باشد؟ نه در بند آرایه‌ها بود و نه در قید هنر‌نمایی و فضل‌فروشی؛ اگر چه آراسته‌ترین و نغز‌ترین سخن‌ها نیز از اوست.

کمتر از هر سخن‌گویی، ما را نصیحت کرده است؛ اما بیش از هر سخنوری دست در دل و جان ما برده است. حق داشت که آن همه از وزن و قافیه بنالد؛ اگر چه وزن و قافیه هم نتوانست میان ما و او فاصله اندازد. ذره‌ای به سنگینی و وقار نمی‌اندیشید؛ و گر نه در بازار به سماع بر نمی‌خاست و کلمه ریکی در شعر نمی‌آورد و حکایت‌های ساده در نمی‌انداخت و جد را به زبان هزل نمی‌گفت. در میانه دفتر سوم مثنوی، ناگاه داستان «عاشق صدر بخارا» را رها می‌کند و از بدگویی دیگران درباره او و شب‌های مثنوی‌اش در قونیه، خبر می‌دهد. می‌گوید: شنیده‌ام که در شهر کسی گفته است:

این سخن پست است؛ یعنی مثنوی

قصه پیغمبر است و پیروی

نیست ذکر بحث و اسرار بلند

که دوانند اولیا آن سو سمند

پاسخ مولوی به آنان، پاسخ او به همه کسانی است که

از قدیم تا اکنون زبان به طعن مثنوی دراز کرده‌اند.

می‌گوید: وقتی قرآن نیز نازل شد، درباره آن گفتند

که «اساطیر اولین = افسانه‌های کهن» است. اما بدانید که

زیر این ظاهر ساده، باطنی قاهر است که در چشم‌های

ظاهرین شما نمی‌گنجد. اگر مثنوی بر شما آسان می‌نماید،

این گوی و این میدان!

بقیه در صفحه ۲

در گذر از روز شعر و ادب فارسی و گرامیداشت

استاد سید محمد حسین شهریار

شهریار، بلبل دستان سرای شعر فارسی و ترکی

«دکتر علی اصغر شعر دوست»  
«بخش دوم و پایانی»



از راست: دکتر شفیع‌الدین کتبی، استاد شهریار، استاد هوشنگ ابتهاج

در نگاهی به زندگی ادبی استاد شهریار، ما با شاعری روبه‌رویم که با آفریدن برخی منظومه‌ها و قطعات نو، هم آثار ارجمندی به گنجینه شعر ایران افزود و هم به جریان طبیعی و سالم شعر نو و تثبیت جایگاه آن یاری کرد. مکتب شهریار با همین اشعار استاد شکل گرفت. هم خود شاعر و هم منتقدان، این بخش از آثارش را از درخشان‌ترین سروه‌هایش دانسته‌اند. شعرهای مکتب شهریار بیشتر از آنکه به اعتبار قالب و فرم ظاهری شناخته شوند، با رمانتسم قالب تمایز و تشخیص می‌یابند. شعرهایی چون دو مرغ بهشتی، هذیان دل، قهرمانان استالینگراد، افسانه شب، مومیایی، ای وای مادر، راز و نیاز، پیام به انشین و شاهد شعر برجسته‌ترین نمونه‌های مکتب شهریار به شمار می‌روند. در اینجا بندهای از منظومه زیبا و درخشان «دو مرغ بهشتی» را عرض می‌کنم که برای نیما یوشیج شاعر بلندآوازه و مبدع کشورمان نوشته است که هم کاشف از ارتباط این دو بزرگ است و هم حکایت از توانایی استاد دارد:

این چمن‌زار زیبا کتابی

بود و در وی چشم من باز

لیکن از زمره خاک‌یک بود

آنچه دیدم در او نغمه‌پرداز

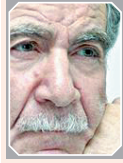
هرگز آن نغمه‌ساز بهشتی

نیست کو با من آید هم‌آواز

بقیه در صفحه ۲



تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



## رازِ راز

«گفتگو از: کریم فیضی ۱۷۰»

### ارائه خدا

**\* از نظر شما، میان آیت و ذو آیت ارتباط وجود دارد و تا زمانی که صاحب آیه را نشناسیم، نمی‌توانیم از آیت حرف بزنیم.**

بر این اساس، شما وقتی می‌توانید آیات خدا را بشناسید که قبلاً خدا را بشناسید. شما که دست به اشکالتان خوب است، می‌توانید به من اشکال کنید که ما اگر خدا را بشناسیم و قبلاً هم شناخته باشیم، چه نیازی داریم که آیات خدا را بشناسیم؟

**\* این اشکال وارد نیست و اگر هم وارد باشد، با اجمال و تفصیل جواب داده می‌شود.**

ولی موضوع را با حضور حل می‌کنم. ما اگر خدا را از طریق حضور و رفتن به حضور نشناسیم، نمی‌توانیم با آیات و عالم خدا را بشناسیم.

ایسن عالم، هرگز نمی‌تواند خدا را برای ما اثبات کند و ترس و بگو، هیچ دلالتی به خدا ندارد. ما قبلاً باید خدا را از طریق حضور - و به تعبیر شما، به اجمال - بشناسیم و بعد، به تفصیل از جهان به عنوان علامت، به ذوالعلامت برسیم.

**\* اگر ذوالعلامت نباشد، قطعاً علامتی نخواهد بود. بنابراین، چیزی که می‌گویید، بسیار دقیق و استوار است.**

به همین جهت، من این حرف را که گفته‌اند: خدا را باید از نشانه‌ها و آیات و علامات شناخت، یک مغالطه تاریخی بزرگ می‌دانم که در طول تاریخ تکرار شده است. ما تا زمانی که صانع را به صورت حضوری یا اجمالی نشناسیم، چگونه می‌توانیم مصنوع او را بشناسیم و از طریق مصنوع، او را بشناسیم؟

اگر علم به صانع نداشته باشیم، مصنوع برای ما معنی نخواهد داشت. به همین جهت، قرآن می‌فرماید: سَنَرِيْهُم اٰيٰٰتِنَا فِى الْاٰفَاقِ وَ فِى اَنْفُسِهِمْ؛ یعنی ما نشان می‌دهیم، یعنی ذوالعلامت، قبل از علامت است. خدا در قرآن می‌گوید: من به شما نشان می‌دهم.

**\* بنابراین، اگر ما صانع یا خدا را نمی‌شناختیم، نمی‌توانستیم مصنوع را بشناسیم و چون خدا آن را به ما نشان می‌دهد، می‌شناسیم.**

**پس معرفت خدا، نیازمند معرفتی دیگر است که خود آن را خداوند می‌دهد و افاضه می‌کند. آیه‌ای که اشاره کردید، بسیار ظریف است و نشان می‌دهد که اول خدا هست، بعد نشانه‌های او و نه برعکس.**

در واقع، ارائه خدا، راه شناخت خداست. اگر ارائه خدا در بین نباشد، هیچ اتفاقی روی نمی‌دهد و معرفتی حاصل نمی‌شود. اگر ارائه الهی نباشد، با دیدن شجر و حجر و زمین و آسمان، انسان نمی‌تواند قدمی در راه معرفت الهی بردارد. شناخت کل کهکشاناتها موجب شناخت خدا نمی‌شود کمالینکه هزاران طبیعی‌شناس و عالم طبیعی و زمین و آسمان‌شناس به زمین و آسمان نفوذ کرده‌اند و هیچ اثری از خدا هم نیافته‌اند.

بنابراین، خدا باید کهکشانات را به ما نشان بدهد، تا ما بتوانیم از طریق علامت دیدن آن به خدا برسیم و او را بشناسیم.

آیت خدا بودن چیزی، معنایش این است که خدا باید آن را به عنوان آیت برای ما نشان بدهد. انسان تا قیامت، خودش به حق نمی‌رسد، با ارائه حق به حق می‌رسد. پس، با حق به حق می‌رسیم و این معنای عرفان است.

اگر خدا ما را نخواهد، ما نمی‌توانیم خدا را بخواهیم.

ادامه دارد

## شهریار، بلبل داستان سرای شعر فارسی و ترکی

بقیه از صفحه اول

دیودی اینجا هم ای دل غریبم ناگه از چنگل یاسمن ها ناله آشنایی شنودم زخمه تار جان بود گویی جنگ زد در همه تار و پودم هم‌زمان بهشت طلایی است باز خوانند به نوشین سرودم در پی آن صدا رفتیم از دست ویژگی مهم دیگری که باید بر سلسله عوامل برشمرده بیفزاییم ایمان و اعتقاد راسخ شاعر است که از محدوده زندگی فردی او فراتر رفته و در تشکیل شخصیت و حیات ادبی‌اش تأثیر بسیار گذاشته است.

استاد شهریار، هم در زندگی شخصی انسانی مؤمن و معتقد بود، هم در مصاحبه‌ها و نظرات خود از آغاز به مذهب توجه خاصی داشت و هم یکی از ارکان شعر مذهبی است، که در این زمینه آثار بسیاری دارد.

در روزگاری که شعر و ادب ترکی آذربایجان مورد بی‌مهری قرار گرفته بود، شهریار به یاری آن شتافت و شور و غوغایی را که در عرصه شعر پارسی ایجاد کرده بود، به گستره شعر ترکی نیز کشاند و به تعبیر خود خنجر را به خرما تبدیل کرد.

آوازه شعرهای ترکی استاد سالهاست که از حدود و ثغور سیاسی و جغرافیایی درگذشته و تا همه سوی آفاق و انفس رسیده است. منظومه «حیدربابایه اسلام» که قراظین قله آثار ترکی شهریار به شمار می‌رود، نه تنها به آثار شاعران ترکی‌گوی ایران، بلکه در شعر جمهوری آذربایجان، ترکیه و جمهوری های آسیای میانه هم تأثیر بسیار نهاده است.

رویکرد استاد شهریار به ترکی در شرایطی صورت گرفته که به تعبیر خود استاد، در آن دوره اشعاری که به زبان ترکی در ایران به چاپ رسیده بود، نه از نظر کیفیت! نمود چندانی نداشت. ظهور شهریار در چنین مقطع حساسی به نجات شعر آذری منجر شد. این مسئله از چندمنظر قابل ارزیابی است:

الف- استاد شهریار هنگامی که به سرودن اشعار آذری آغاز کردند، دیگر به اعتبار آثارفارسی خود در عرصه فرهنگ و ادبیات معاصر چهره‌ای شناخته و محبوب بودند، همین اعتبار و محبوبیت شهریار، هم درنوردیدن محدودتهای سیاسی و امنیتی رژیم ستمشاهی را آسانتر نمود و هم توجه مردم را به اشعار ترکی او - و از این طریق به شعر ترکی - جلب کرد.

بی‌شک هیچ یک از شاعران آذربایجانی ما (و بلکه هیچ یک از شاعران معاصر ایران) از چنین نفوذ و اعتباری تعیین کننده و مؤثر برخوردار نبود. ب- تبحر و تجربه کم مانند شهریار، در عرصه شعر و شاعری برای رشد و شکوفایی شعر ترکی درایران غنیمت بود. شعر ترکی در ایران مدت ها بود که دیگر نماینده برجسته‌ای نداشت و سرایشی تندی را طی می‌کرد.

آثار پرآکنده‌ای که در اینجا منتشر می‌شد، از ارزش ادبی چندانی برخوردار نبودند و بیشتر شبیه به شعارها و بیانیتهای سیاسی بودند. براین اساس رویکرد استاد شهریار به شعر ترکی آذربایجانی، رویکردی سرنوشت‌ساز بود.

بعد از مدتی طولانی که شعر ترکی در ایران با ایستایی مواجه شده بود، فقط شاعر چیره‌طبعی چون شهریار می‌توانست طرحی نو دراندازد و فصلی دیگر گشاید.

ج- با توجه به شرایط سیاسی آن سالها، و گرایش بعضی از نیروهای فرهنگی به شوروی و کوشش برای تبدیل زبان ترکی آذربایجانی به عنوان زبان واسط میان شوروی و چیرگرایان ایران، شهریار به عنوان یکی از شیفتگان مفاهیم دینی و خادمان صادق زبان و ادبیات فارسی و نیز چهره‌ای میهن‌پرست به دور از همه بازیهای سیاسی به یاری شعر ترکی آذری شتافت.

حضور قدرتمند شهریار در این عرصه از دو جهت اهمیت دارد: یکی اینکه شهریار توانست به دور از اغراض سیاسی، مکتبی نو در شعر ترکی بنیان نهد و توجه شاعران آذری را به ارزشها و معایر زیبایی شناختی شعر جلب و شعر را جایگزین



در کنار ابعاد مختلف خلاقیت استاد، و نیز چهره‌های گونه‌گونی که از این نابغه نادره گذتار شعر مشرق زمین ارائه شد، او را به عنوان یک شاعر مذهبی‌سرای بزرگ می‌شناسیم و می‌شناسند. شعرهایی چون مناجات، شب و علی و برخی از اشعار مذهبی دیگر او در ردیف دلایزترین سروده‌های عصر ما جای دارند.

من پیش از این در برخی یادداشت ها و مقالات خود شهریار را از ارکان شعر تشیع ذکر کرده‌ام، اکنون نیز، عرض می‌کنم کدام یک از شاعران همعصر ما شعری به بلندی و لطافت مناجات سروده است که همگان با هر میزان اعتقاد لاقال ابیاتی از آن از حفظ نکرده باشند.

علی‌ای‌های‌رحمت‌توجه‌آیتی‌خدارا که به ما سوا فکنددی همه سایه هما را

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را به خدا که در دو عالم اثر از فنا نباشد

چو علی گرفته باشد سرچشمه بقا را مگر ای‌سحاب‌رحمت‌توبیاری‌نه‌دوزخ به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را

به دو چشم خونفشانم هله‌ای نسیم رحمت که زکوی او غباری به من آر توتیا را

ز نوای مرغ یاقوت بشنو که در دل شب غم‌ده‌دوست‌گفتن‌چم‌خوش‌است‌شهریارا

همصدایی شهریار با انقلاب اسلامی هم منبعث از افکار و اعتقادات مذهبی او بود.

استاد از نخستین روزهای انقلاب تا واپسین دم مسیحی‌جایی‌اش همراه شعر انقلابی را در شور شعر درآمیخت، گویی جان مشتاق شهریار گوهر گمشده‌اش را در این نهضت یافته بود. همان گونه که در آغاز این

بقیه از صفحه اول

رفتار و گفتار بی‌نهایت صمیمی و دلبرای مولوی در مثنوی و دیوان شمس، همان‌قدر که برای ما راهگشاست، راهزن است. او چون سخاوتمندانه بر ما تاییده است، گمان کرده‌ایم که حدّ و اندازه‌ او همین است که ما بی‌بیتی یا غزلی از او را در لحظه‌های عاشقی زمزمه کنیم، یا کتاب و مقاله‌ای درباره‌ او بنویسیم یا سخن خود را به شعری از او بیاراییم.

ما مولوی را دست کم گرفته‌ایم؛ چون دست مهربانش را بر شانه‌ ما انداخته و چو نان رفیقی همراه و بردبار، همگام ما شده است. این همراهی و همگامی، ما را خام کرده است، پس:

همسری با انبیا برداشتیم اولیا را همچو خود پنداشتیم

شعارکند. از سوی دیگر او کسانی را که از شعر ترکی آذری به عنوان یک حربه سیاسی به نفع بیگانگان بهره می‌بردند، خلع سلاح کرد. این کوشش ملی شهریار، حتی کرمین‌نشینان را به صرافت تطمیع شاعر انداخت. طرح حزب کمونیست شوروی برای اعطای جایزه ادبی‌لنین به شهریار، با هوشیاری شاعر بزرگ ملی ایران با شکست مواجه شد.

دلایلی که برشمرده شد درستی این ادعا را که در آن روزگار جز شهریار کسی یارای یاری شعر ترکی آذری را نداشت، ثابت می‌کند.

هر چند شاعر، کمتر از بیست درصد اشعارش را به زبان مادری سروده، اما با همین دیوان کوچک توانسته جایگاه برتری در شعر ترکی آذربایجانی کسب کند. شعر ترکی شهریار افزون بر ایران، در قفقاز، ترکیه و آسیای میانه هم با اقبال مواجه شد. آثاری که در زیر تأثیر شعرهای ترکی استاد شهریار سروده شده و نیز پژوهشهایی که درباره زندگی و شعر شهریار انجام شده، نشانگر آن است که هنر شهریار چگونه حدود آفاق و انفس رادرنوردیده و تا همه سوسی جهان رسیده است. پرسش بزرگی که سالها بی‌پاسخ مانده، این است که چطور آثار شاعری که مطالعات و تجارب ادبی‌اش اغلب به زبان فارسی بود، و درشرایطی که شعر و ادبی ترکی آذری در ایران چندان جایگاهی نداشت، به سرودن پرداخته است.

در کشورهایی که آثار فراوانی به زبان ترکی منتشر شده و تحصیلات و مطالعات نیز به زبان ترکی است، اینگونه مورد استقبال قرار می‌گیرد؟! این پرسش، جز یک پاسخ را برنمی‌تابد و آن اینکه شعر شهریار ریشه در ژرفای فرهنگ اسلامی - ایرانی دارد و آثار او به اعماق سنتهای مشترک شرق اشارت دارد، در حالی که شاعران و منتقدان ترکیه نه تنها به تأثیر شعر غرب در شعر معاصر ترکیه معترفند، بلکه از آن به عنوان حادثه‌ای فرخنده یاد می‌کنند و شعر مدرن بعد از تشکیل جمهوری را در شعر ترکی، اروپایی می‌گویند. در برخی جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی و قفقاز هم اگر چه زبان ترکی، زبان رسمی و ادبی محسوب می‌شد، اما شعر، بیشتر از آنکه به میراث ایرانی - اسلامی متکی باشد، بهتجارب و آموزه‌های شعر روسی - اروپایی مستظهر بود. این گونه بود که شاعران و شعرخوانان آن گوهر گمگشته خود را در شعر ترکی شهریار بازیافتند. حتی برگردان اشعار فارسی شهریار نیز - به همان میزان که شعرهای آذری‌اش - دران کشورها مورد اقبال واقع شد و اینکه تنها شهریار است که به عنوان حلقه واسط میان پاره‌های مختلف فرهنگ اسلامی - ایرانی در منطقه شناخته می‌شود.

موطن و مولد و آرامجای این شاعر، تبریز، این «دارالسلام شعر و ادب» است که همچون ستاره‌های درخشان برتارک آسمان ایران عزیز می‌درخشد. و اینک این افتخار برای تبریز است که هر سال در بیسیست و هفتم شهریور ماه با گرامی‌داشت استاد شهریار فرصتی مغتنم برای بررسی شعر معاصر کشورمان فراهم آمده است تا جای خالی توجه به این عالی‌ترین و ناب‌ترین وجه کلام یعنی شعر در تقویم فعالیت‌های فرهنگی سالانه با نام عزیزش برکت یابد.

خداوند را شاکرم که این توفیق را عنایت فرمود که این کمترین به عنوان فرزندی کوچک از فرزندان تبریز بزرگ ادای احترام بکنم به روح بلند شهریار و ادای دینی به سرزمینی که دره‌وایش نفس می‌کشم. امیدوارم مردمان ایران عزیز و زادگاه سرافرازم تبریز نامدار، این اقدام را از فرزند ناچیزشان بپذیرند.

### مولوی؛ برگ برنده ما در گفتگو با جهانیان

رستم از این بیت و غزل، ای شه و سلطان ازل

مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا

قافیه و مغلظه را گو همه سیلاب بیر

پوست بود پوست بود درخور مغز شعرا

او با ما ساده و صمیمی است؛ اما ژرفای مغز آشوب

او را هم باید دید. مولوی، درخشان‌ترین امید برای

جهان اسلام است. برگ برنده ما در گفتگو با جهانیان

است. بدون او و همانندان او که از شمار انگشتان یک

دست کمترند، از ما جز داعش و داعش‌صفت، چه باقی

می‌ماند؟ مولوی، دین یا پیامبر ما نیست؛ اما خدا و دین

و پیامبر به روایت او، بس شنیدنی است. او هدیه خدا

به مسلمانان است؛ اگر قدرش را بدانند.

پیشه شاعری و شیوه سخنوری و قصه‌گویی

او، ما را به این گمان خام انداخته است که

می‌توانیم با این غول معرفت، همبازی شویم و

هم‌عنان با او بتازیم و دعوی عرفان کنیم. این گونه

نیست. مولوی، اگر زبان شاعری برگزید، از سر

ناگزیری بود.

می‌دانست که: «چون سر و کار تو با کودک فتاد/

پس زبان کودکی باید گشاد.» و چون سر و کار تو با

مرد فتاد/ پس زبان شاعری باید گشاد. و گر نه او همان

است که می‌گفت:

رستم از این نفس و هوا، زنده بلا مرده بلا

زنده و مرده وطنم نیست به‌جز فضل خدا



## گزاره‌هایی در نقد فنی شعر امروز

نقد، تنها نشان دادن جنبه‌های مثبت و منفی یک اثر نیست. در وهله اول شناخت کلی اثر و احاطه و اشراف بر موضوع مورد نقد است تا حاصل کار اصیل و اصولی باشد. اگر نقد امروز نمی‌تواند پایه‌ای شعر امروز حرکت کند، اشکال کار در عقب ماندگی نقد و ناقدین ادبی نیست؛ بل علت در تحولات سریع و رشد شگفت زبان شعر امروز است.

اگر لاک پشت نقد از خرگوش شعر امروز عقب مانده است، این سیر طبیعی نقد است. چون منتقد همان غریب به دستی است که از پشت سر می‌آید. برای نقد شعر امروز بایستی به اندازه آن صاحب نظر بود و در مورد آن تخصص و آگاهی داشت. با متراف شمس‌قیسی و الگوی دهه چهل نمی‌توان به سراغ شعر امروز رفت.

چندی پیش دوست بزرگوار از اصحاب نقد دهه چهل در نقد مجموعه شعر شاعر جوانی چنان درماندگی خود را از درک اثر مزبور نشان داده بود که تعجب برانگیز بود. چرا که عدم شناخت زبان شعر امروز را به حساب بی‌سوادی شاعر گذاشته بود. غافل از این که شعر امروز با الگوی نخ نمای دیروز قابل سنجش نیست.

برای معرفی این نوع شعر، منتقدین صاحب نظر و خاص همان نوع شعر لازم است، تا در مورد صحت و سقم آن نظر بدهند و مولفه‌های آن را تفسیر نمایند. حرکت‌های جدید در شعر امروز را بشناسند و رهبران و راهیان جوانسال آن را به رسمیت بشناسند و قضاوت عادلانه‌ای به عمل آورند.

«امیرعباس مهندس» شاعر و منتقد و سردبیر فصلنامه ادبی - پژوهشی ثریا و مدیر نشر شاسوسای کاشان، مجموعه‌ای از نقد و بررسی‌های خود بر مجموعه شعرهای امروز را در

هیأت کتابی قطور با عنوان «شاخه‌های آسوریک» از سوی نشر شاسوسا منتشر کرده است تا قدمی در شناساندن مجموعه شعرهای شاعران جوان ما برداشته باشد. نقد و خوانش بیش از صد مجموعه شعر معاصر (جلد یک) با سه پیشگفتار



از امیرعباس مهندس به بررسی کتاب‌های رسیده پرداخته و نکات قوت و ضعف هر مجموعه با آوردن نمونه شعرهایی از شاعران امروز مشخص شده است.

\*\*\* یکی از ویژگی‌های این مجموعه که از نقد و معرفی چاپ شده در فصلنامه ثریا تألیف و تدوین شده است، آوردن نام شاعر در کنار نام کتاب‌های مورد بررسی است. که خود شناسنامه جالبی از نمونه آثار به چاپ رسیده در دهه‌های هشتاد و نود است. به طوری که برای هر شاعر،

چندین نمونه شعر چاپ کرده تا خواننده را در لذت متن شریک کند و نقد و بررسی را با مخاطب سهیم باشد. امیرعباس مهندس در نقد مجموعه‌ها از افراط و تفریط پرهیز داشته و بر خلاف معرفی مجموعه شعر در ستون نقدینه که فقط نیمه پر لیوان را می‌بیند و تشویق می‌کند؛ او به هر دو نیمه لیوان توجه دارد. نقاط قوت و ضعف هر مجموعه را با نمونه مثال ذکر می‌کند و با روشی اعتدالی حرف‌های خود را می‌زند که هم صاحب اثر به مراد خود برسد و هم مخاطبین شعر دوست در موقع مطالعه آن چیزی بر دانسته‌های ادبی خود اضافه کنند و با شعر امروز آشنا شوند.

مهندس در هر نقدی مولفه‌های مورد نیاز را از دیدگاه زبان‌شناسی نوین مطرح می‌نماید و مفاهیم جدید نقد نوین را از زبان فلاسفه و زبان شناسان مطرح امروز روایت می‌کند و مخاطب را با چند و چون اصطلاحات خاص نقد امروز جهان آشنا می‌سازد.

شاخه‌های آسوریک فقط معرفی و بررسی عجلانه یک مجموعه شعر نیست بلکه این نمونه از نقدها خودکارگاهی برای شناخت نقد و نقدنویسی است و برای شاعران جوان لازم است ورق به ورق این نقدها را آگاهانه بخوانند و به حافظه بسپارند. چرا که جناب مهندس بسیاری از منابع ادبی معاصر را تکه‌تکه در لابلای نوشته‌های روشننگر خود آورده است.

برای شاعران جوان شعر امروز که می‌خواهد به صدای مستقلی در شعر برسد، خواندن این مجموعه را پیشنهاد می‌دهم. چرا که شاخه‌های آسوریک، خود به تنهایی دایره‌المعارفی از نظرات ارزنده و مولفه‌های ادبیات مدرن جهان است؛ همراه با نمونه شعرهای امروز ایران.

فراهم می‌دارد، که بسته به نوع رویکرد وی به این باغ جنت گون و حقیقه الحقیقه، و زمان نگاه کردن وی به باغ که سپیده دم باشد یا ظهر و عصر و یا شب هنگام، و از کجای این بوستان پهناور به کدام چشم انداز بنگرد، تصویری متفاوت و متکثر آفریده می‌شود. این همان کلید این همه آفرینش و خلق بر مبنای سنت و تاریخ در موسیقی ایرانی است و عامل رشد و ظهور مکاتب برآمده از ردیف که همان مکتب جنابان میرزاعبدالله و آقا حسینقلی است و یا تغییرات نه چندان ریشه دارو مقطعی برخی سلاقی موسیقایی.

آنچه توسط دو فرزند علی اکبرخان به ثمر رسید، به راستی اراده‌ای پولادین می‌خواست که علی‌رغم عدم امکانات ضبط و گستره بسیار ضعیف امکان راه‌های مراسله و مواصله، تمامی ایران و میراث موسیقی ملی و مقامی این سرزمین در ردیف این دو برادر حضور دارد. گوشه گرایلی (دستگاه شور)، نیشابورک (نوا)، عراق (دستگاه ماهور)، صوفی نامه (اصفهان)، کوراوغلی (ماهور) و ده‌ها و صدها چون این گوشه‌ها، برآمده از سرزمین‌های آذربایگان، خراسان، عراق عجم، اصفهان بادکوبه و... جمع‌آوری شده‌اند.

هر چند جای بسی تأسف است که به فرموده استاد بزرگ و میراث موسیقی ملی ایران، استاد لطفی (۱۳۹۳-۱۳۲۵) ظلم‌های فراوان در حق این بزرگان همچون آقا میرزا حسینقلی رفت؛ تا حدی که این بزرگمرد در گورستان افراد بدنام و بدکار که از ذکر نامشان عذر می‌خواهم، دفن شد و بعدها همین مکان نامتناسب هم در شهر ری مفقود شد. و به راستی چه تناسی می‌توان بین رفعت شخصیت، خدمت ملی، ایمان و پاکی آقای حسینقلی با آنچه در حقش روا شد یافت؟ خدا می‌داند و پس (کتاب سال شیداش، مطرب و مطربی در ایران، استاد محمدرضا لطفی). پرواضح است که اگر موسیقی ما هم اکنون علی‌رغم تمام صدمات قرون و کم توجهی‌های اعصار و ادوار، باز هم هویت کاملاً متعین و مجزا از موسیقی اعراب، تمدن‌های هندوئیستی و سرزمین‌های شرق دور و روسیه و عثمانی و عراق عرب دارد؛ به دلیل مجاهدت‌ها و کوشش‌های موسیقی دانان فاضلی است که ارزش کار نسل‌های قبل را نیکو می‌دانستند.

ادامه دارد



### دردم‌حضر شفیق

«پرویز بیگی حبیب آبادی

بخش بیست و هشتم

حافظه شما تحسین برانگیز بود. از سال‌های دور خاطراتی را در ذهن دارید و این خاطرات با توالی منطقی در ذهنتان نشسته است.

- نظر لطف شماست. البته دو علت دارد. یکی این که خاطرات دوران جوانی مثل نقش بر سنگ است و از ذهن نمی‌رود و دیگر این که من بسیاری از اوقات می‌نشینم و آن خاطرات تلخ و شیرین را در ذهنم مرور می‌کنم و در حقیقت با آنها زندگی می‌کنم. به همین دلیل در ذهنم شکل و قوام و دوام خاصی پیدا کرده است. البته شما هم مرا بیشتر به شوق می‌آوردید تا همه آنچه را که گذشته است، بازگو کنم. در حقیقت به ثبت همیشگی آن اقدام می‌کنید و ایمن را نیز بگویم که در این گفتگو از ذکر مسائل جزئی خودداری می‌کنم و اذعان دارم که بسیاری از حوادث را فراموش کرده‌ام از جمله تاریخ دقیق آن‌چه می‌گویم.

من هم از نظر لطف جنابعالی متشکرم. این کار ادای دین به شما و جامعه ادبی و ادبیات کشور است. چرا که خاطرات شما پر از تلاش و کوشش و حق‌مداری است که این روحیه ظلم‌ستیزی بسیار قابل ستایش است. باز هم از آن روزها بفرمایید.

- عرض کنم در زمانی که دکتر منوچهر گنجی با توصیه فرح پهلوی به وزارت رسید و مردم ما در آستانه انقلاب قرار داشتند، من از کارگزینی وزارتخانه به اداره کل حسابداری آموزش و پرورش رفتم و با عنوان کارشناس مسئول حسابداری به طور موقت اداره رسیدگی اسناد من سپرده شد و به کار مشغول شدم.

یک روز برام اتفاق جالبی افتاد. سندی را برای ممیزی نزد من آوردند به عنوان قسط دوم بازسازی وزارتخانه، یعنی همان خانه ظل‌السلطان که قبلاً درباره آن مطلبی را گفتم. دقت کردم متوجه شدم میزان هزینه‌های انجام شده، رقم خیلی بالایی است. به محل سرکشی کردم دیدم اصل قرارداد که در آن ایام مبلغ آن زیاد بود، با یکی از نزدیکان وزیر وقت منعقد شده اما هیچ‌کاری به عنوان تعمیر یا بازسازی صورت نگرفته و در حقیقت سندسازی کرده بودند.

از امضا و تایید سند خودداری کردم، همین کار دکتر گنجی را بسیار ناراحت کرد و بر سر خشم آورد. در همان روز برکه مرخصی چهار ماهه استحقاقی برام صادر کردند و حکم بازنشستگی‌ام را صادر و به من ابلاغ کردند.

در حالی که هنوز به مرخصی نرفته بودم و اگر قرار بود حکمی صادر شود، باید بعد از طی دوره مرخصی ابلاغ شود. در حال استفاده از مرخصی بودم که به قول معروف ورق برگشت و دکتر گنجی بر کنار شد و دار و دسته او کنار رفتند. بلافاصله با درخواست مدیر کل امور مالی که مردی درستکار و روشن ضمیر بود، با سمت کارشناس مسئول حسابدار مجدداً دعوت به کار شدم. این موضوع ادامه یافت تا انقلاب شد. در مرداد ۱۳۵۸ و بر اساس مصوبه دولت مهندس بازرگان که کارمندان بالای سی‌سال باید بازنشسته شوند، مشمول آن مصوبه شدم و بازنشسته شدم.

بفرمایید آشنایی شما با سهراب سپهری در چه سالی بود؟

- در سال ۱۳۲۵ زنده‌یاد سهراب سپهری دوره دانشسرای مقدماتی تهران را به پایان برده بود و مدت پنج‌سال تعهد خدمتی داشت که داوطلبانه کاشان را برای طی این مدت انتخاب کرد. البته لازم است به موضوعی در این مورد اشاره کنم. خانواده سپهری بیشتر در پست و تلگراف خدمت می‌کردند و در شهرهای مختلف از جمله مدتی در قم سکونت داشتند. دایی‌های او حبیب‌الله خان و سیف‌الله خان بودند که یکی معاون اداره پست و تلگراف کاشان و دیگری در پست معاونت اداره دارایی کاشان خدمت می‌کرد. این دو عزیز با من دوست بودند و با هم ارتباط خانوادگی داشتیم.

ادامه دارد

## بررسی مکاتب موسیقی کلاسیک دنیا - ۴۰

### ریشه موسیقی ایرانی

ذکر یک نکته مهم:

طی دو مبحث پیشین در خصوص علی اکبرخان فراهانی و فرزندان گرمی‌اش، به موضوع مهمی اشاره داشتیم که همانا مبحث ردیف موسیقی، جایگاه بسیار مهم تاریخی و اهمیت فوق‌العاده آن در آثار غنی موسیقی طی تمامی دوران‌ها بود.

اما این که میراث بسیار گرانقدر ردیف را به شکلی و از منظری خاص همچون الماسی تشبیه کردیم که می‌تواند در ذهن موسیقیدانان و نوازنده متمایز، تراش‌های متفاوت بخورد و با رقه‌هایی مختلف را تالو نماید؛ ابداً و به هیچ وجه بدین معنا نیست که این الماس، همچون یک ماده خام است و می‌بایست صیقل یابد. خیر؛ بلکه دوران ارزشمند شدن آن گوهر، همچون هر کانی ارزشمند دیگر، ریشه در تاریخ بسیار طولانی گذشته دارد.

ردیف موسیقی از این حیث با الماس مشابه است که ارزشمندترین دارایی موسیقی سرزمین کهن ایران در این میراث جای گرفته و نوازنده مسلط بر میراث تاریخ، دانش‌ورز و توانمند و چالاک پنجه این امکان را دارد که از گوشه‌های پرشمار هفت دستگاه، دست به آفرینشگری خلق، ابداع و بداهه نوازی و چیده‌مان دقیق انواع سازها، ارکستراسیون متناسب، که هر ساز دقیقاً چه پاسازی را و چگونه اجرا کند و در کجاها، اثر به شکل گروهی و با چه سرعتی (Tempo) اجرا شود. میراث ردیف، خود به قدر بی‌انتهای غنی هست و نیازی به تصحیح و تغییر ندارد، به عکس این موسیقیدان است که به شدت، خلق و اجرایی متکی بر ردیف می‌تواند به غنای اثر سنتی وی را تضمین کند.

ردیف همچون یک گنجینه از جملات متکامل، رنگارنگ، متفاوت و سرشار از ملودی‌ها، گام‌های کروماتیک و ضرباهنگ‌های بسیار متفاوت، چنان باغی را برای موسیقیدان، در مقام آهنگساز، در مقام تنظیم‌کننده اثر برای ارکستر و برای نوازنده چیره دست ساز و خواننده



عبد فرح دنیا



## در پی دغدغه فراموشی یک قهرمان ملی



شبنم یحیایی

### شکل‌گیری نمایشگاه

به سراغ «شیت یحیایی» مدیر گالری می‌روم تا درباره چگونگی شکل‌گیری این - نمایشگاه پرسیم و او تعریف می‌کند: حدود ۶ سال پیش در بخش آموزشگاهی گالری «شیت» که در آن دخترم مسئول آموزش کودکان پیش‌دبستانی فصل تابستان است، دیدم بچه‌های زیر ۶ سال فیگورهای بلند و کشیده و سرعتی می‌کشند و یک اسم تک زبانی هم برای آنها به کار می‌برند. آن روز به دلیل حضور دوستان و آشنایان و والدین بچه‌ها نتوانستم دلیل این کشیده‌هایشان را پیگیری کنم تا این که یک روز به خانه که رفتم دیدم نوه ام هم دارد همین کار را می‌کند. از دخترم دلایل را پرسیدم و او گفت: «اینها کشتی کج‌های خارجی را که از تلویزیون می‌بیند می‌کشند».

این مسئله برایم ناراحت‌کننده بود؛ چون کودکان بسیار تأثیرپذیر هستند و دیدن این ورزش خیلی خشن برای آنها مضر است. به این فکر افتادم که چرا ما نباید بتوانیم قهرمان‌های ملی خودمان را به آنها و مردم خودمان بهتر بشناسانیم و به دوستانم سپردم که اگر کسی را می‌شناسند که می‌خواهد در ارتباط با قهرمانان‌ها ملی خودمان نمایشگاه بگذارد، من آماده به همکاری و در اختیار گذاشتن گالری‌ام هستم. دوستی به نام آقای سپاهی دارم که پشت سفارت روسیه قلاب عکس می‌سازد و او با آقای خجسته که خود از پیشکسوتان کشتی است دوست بود و او را به بنده معرفی کرد و این شد که بنده از دل و جان تمامی امکانات هر چند ناچیز گالری را در اختیارش گذاشتم.

سال ۹۲ اولین نمایشگاهی از عکس‌های تختی در گالری شیت برگزار شد که با استقبال بسیار خوبی همراه بود و حتی همدوره‌ای‌های مرحوم تختی که در قید حیات بودند به این نمایشگاه آمدند. در همان سال آقای به نام «آرش تنهایی» که نمایشگاه گردان نمایشگاه گروهی «جهان پهلوان» در گالری «شیرین» بود به سراغ من آمد و از بنده خواست که تصاویری از این نمایشگاه را به او دهم تا نقاشی که قرار است در نمایشگاه گالری شیرین شرکت کنند از روی این تصاویر نقاشی بکشند و حدود ۱۰۶ عکس را انتخاب کرد. با برگزاری نمایشگاه گالری شیرین و پس از دیدار از آن متوجه شدم چنانکه باید هنرمندان شخصیت و مرام تختی را درک نکرده و به تصویر نکشیده‌اند، این شد که دوباره تصمیم گرفتم نمایشگاه دیگری را برگزار کنم که این بار مصادف با سالگرد تولد تختی، پنجم شهریور باشد.

یحیایی هدف از برگزاری نمایشگاه عکس‌های تختی را چنین بیان می‌کند: می‌خواستیم با برگزاری این نمایشگاه اخلاقیات پسندیده گذشته مان را برای جامعه و جوانان امروز یادآوری کرده و بشناسانیم، این که ما چه هویتی و چه تمدن انسانی داشتیم. دنیا به پهلوان تختی افتخار می‌کند اما متأسفانه نسل جوان ما شاید فقط اسم او را شنیده باشد و حتی یک عکس هم از او ندیده باشد. به دلیل ارتباطات جهانی سهل و آسان هدایت شده، اخلاقیات در جامعه امروز ما سست و کم‌رنگ شده است. متأسفانه با وجود وسایل ارتباط جمعی جدیدی که امروزه در دست جوانان به وفور دیده می‌شود و آنقدر جذابیت برای آنان ایجاد کرده که حتی تا لحظه خواب و در رختخواب هم این وسایل را با خود همراه دارند، دیگر وقتی برای شناسایی قهرمانان با اخلاقی مانند مرحوم تختی برای آنها باقی نگذاشته. با این وسایل، نه تنها جوانان ما شستشوی مغزی می‌بینند که به تمامی معنا و بدون پشتوانه فکری از آنان یک مصرف‌کننده صرف می‌سازد. اینها دغدغه‌ها و دردهای امروز ماست.



درباره تعداد کل عکس‌هایش و این که چه تعدادی را از آن میان در این نمایشگاه به نمایش گذاشته، می‌پرسم و او می‌گوید: حدود ۲۰۰۰ عکس از تختی دارم که از آن میان فقط ۴۰۰ عکس را در این نمایشگاه ارائه کرده‌ام و سعی کردم عکس‌هایی را به نمایش بگذارم که کمتر دیده شده‌اند. مثلاً حدود ۶۰ عکس از تشییع جنازه مرحوم تختی داشتم که چون این نمایشگاه به مناسبت روز تولد او برگزار و در همین روز نیز افتتاح شده بود، آنها را به نمایش نگذاشتم.

می‌پرسم: «چرا بعضی عکس‌های این نمایشگاه توضیح دارند و بعضی دیگر نه؟» می‌گوید: متأسفانه برگزاری این نمایشگاه با عجله صورت گرفت و فرصت این نبود که برای همه عکس‌ها بتوانیم توضیح بگذاریم؛ چون در لحظات آخر نزدیک به افتتاح، چاپ و پرینت عکس‌ها در هم اندازه بودنشان به مشکل برخورد و به همین دلیل شب قبل از افتتاحیه تا ساعت نزدیک ۱ نیمه شب برای چیدمان عکس‌ها در گالری بودیم و اگر می‌بینید عکس‌های یک سالن گالری توضیح دارد به این خاطر است که این عکس‌ها پیش از این با همین توضیحات در سال ۹۲ در گالری شیت به نمایش در آمده بودند.

### اشاعه فرهنگ پهلوانی

در سالن بزرگتر گالری، تعداد عکس‌ها به قدری زیاد است که علاوه بر ردیف چند تایی عکس‌ها بر دیوار، قاب‌های اضافی با تکیه به دیوار روی زمین به تماشا گذاشته شده‌اند. از خجسته می‌پرسم با توجه به تعداد زیاد آثارش چرا گالری دیگری را برای نمایش آنها انتخاب نکرده است؟ او با بیان اینکه محیط گالری شیت را به خاطرنوستالژیک بودنش و هم به دلیل اینکه در مرکز شهر قرار



جهان پهلوان تختی در کنار مادرش

دارد و در دسترس همه از جمله دانشجویان است، دوست دارد، ادامه می‌دهد: البته به خاطر آشنایی با آقای یحیایی مدیر گالری شیت هم هست. من و آقای یحیایی یک دوست مشترک به نام آقای سپاهی داریم که مرا با آقای یحیایی آشنا کرد و به این ترتیب قرار شد از این فضا برای نمایشگاه استفاده کنیم.

هیچکس به اندازه آقای یحیایی در برگزاری این نمایشگاه به ما کمک نکرد؛ نه وزارت ورزش و جوانان، نه فدراسیون کشتی، نه شورای شهر و نه شهرداری. امثال آقای یحیایی کم هستند که بخواهد فرهنگ پهلوانی کشورش را اشاعه دهد و در این راه خودش پی‌گیر باشد و کمک کند، اینها به نظرم مهم است. چون الان فرهنگ مرام و مسلک پهلوانی تختی در حال از بین رفتن و گم شدن است. برگزاری این نمایشگاه یک کار فرهنگی است و با آن می‌خواهیم فرهنگ تختی را اشاعه بدهیم.

به عنوان سئوال آخر از او می‌پرسم، به چه دلیل عکس‌های برپایی دو نمایشگاه قبلی خود را وارد عکس‌های این نمایشگاه کرده است؟ و او پاسخ می‌دهد: این اقدام در امتداد هدف برگزاری این نمایشگاه یعنی اشاعه فرهنگ پهلوانی صورت گرفته است چون در نمایشگاهی که سال ۹۲ از عکس‌های تختی در گالری شیت برگزار کردیم، رونمایی از تمبر جهان پهلوان تختی را هم داشتیم و به همین مناسبت چهار تن از همدوره‌ای‌های آقای تختی در مسابقات «تولیدو» در نمایشگاه حضور پیدا کرده بودند و من دوست داشتم تصاویر این پهلوانان پیشکسوت را هم در کنار مجموعه عکس‌های تختی داشته باشم. عکس‌های نمایشگاه گروهی گالری «شیرین» در دی سال ۹۳ را هم به بهانه دیدار تعدادی از قهرمانان پیشکسوت کشتی از این نمایشگاه در اینجا به نمایش گذاشتم تا به این وسیله از حضور آنان تقدیر کرده باشم.



از راست «عباس خجسته‌پاد» و «شیت یحیایی»

### بقیه از صفحه اول

از عباس خجسته؛ گردآورنده عکس‌ها می‌پرسم که کدام عکس را در این مجموعه بیشتر دوست دارد و او به عکسی اشاره می‌کند که در آن تختی با چهره‌ای مغموم و غم گرفته در المپیک رم ایتالیایی سال ۱۹۶۰ دیده می‌شود و در توضیح می‌گوید: این عکس مربوط به بعد از مسابقه نهایی او با حریف ترکش است که به دلیل ترک بودن رئیس کمیته هیأت داوران مسابقات کشتی و با وجود برنده شدن تختی در مسابقه نهایی، به ناحق و از روی تقلب، مدال طلا را به کشتی‌گیر طرف مقابلش دادند.

در این سالن در کنار عکس‌هایی که اشاره شد، بریده جراید آن دوران، لباس ورزشی تختی، مجسمه‌ای از پرتره او و تصاویری از فضای نمایشگاهی و دیدارهای صورت گرفته در دو نمایشگاهی که پیش از این از عکس‌های خجسته‌پاد به صورت انفرادی و گروهی برگزار شده است، به تماشا گذاشته شده است. عکس‌ها و آثار این سالن بدون توضیح ارائه شده‌اند، اما با حضور آقای خجسته در نمایشگاه که خود اذعان می‌کند حضورش در طول برگزاری نمایشگاه، هر روزه است؛ این توضیحات درباره هر عکس و هر اثری به صورت شفاهی و با تمامی جزئیات داده می‌شود.

### گردآوری عکس‌ها

از خجسته می‌پرسم که چه شد به فکر گردآوری این عکس‌ها افتاد؟ و او در پاسخ به دوران کودکی اش پرتاب می‌شود: پدر من در بازارچه شاپور قنادی داشت و من که به آنجا می‌رفتم، آقایان کشتی‌گیر را که به باشگاه پولاد در خیابان شاپور می‌آمدند، می‌دیدم. حتی وقتی ۹ ساله بودم عکس‌هایی را به آقای تختی دادم و او برایم امضاء کرد. از همان موقع به تختی و کشتی علاقه‌مند شدم، ولی جمع‌آوری عکس‌ها را از ۱۳ سالگی ام که در آن زمان خودم هم به باشگاه کشتی می‌رفتم، آغاز کردم.

از او که خود از پیشکسوتان ورزش کشتی است درباره چگونگی گردآوری عکس‌ها می‌پرسم و او با بیان این که عکس‌های این نمایشگاه فقط گوشه‌ای از مجموعه عکس‌های اوست، می‌گوید: من برای یافتن و بدست آوردن بعضی از این عکس‌ها حتی به شهرهای دیگر سفر کرده‌ام. مثلاً با پرس و جو متوجه می‌شدم صاحب مغازه یک آتلیه عکاسی در مشهد عکسی دیده نشده از تختی دارد و برای خرید آن به مشهد سفر می‌کردم. تعدادی از عکس‌ها هم توسط هم دوره‌ای‌های آقای تختی مثل حاج محمود ملا قاسمی، ناصر گیوه‌چی و مهدی یعقوبی به اعتبار شناختی که نسبت به بنده به واسطه کشتی‌گیر بودنم داشتند، به دستم رسید و علاوه بر این سه، کسان دیگری مانند آقای حسین پور، آقای سیف‌پور و آقای اکبر حیدری هم آلبوم‌هایشان را در اختیار من گذاشتند تا از عکس‌هایشان استفاده کنم. من عکس‌ها را از آنها می‌گرفتم و اسکن می‌کردم و به آنها برمی‌گرداندم و به این ترتیب با پرینت عکس‌ها روی کاغذ عکاسی، آنها را در نمایشگاه‌ها به نمایش می‌گذارم. خجسته تصریح می‌کند که به جز عکس‌هایی که در قاب‌های سه‌رنگ پرچم ایران به روی یکی از دیوارهای گالری نصب شده‌اند، باقی عکس‌های این نمایشگاه اصل نیستند و فقط به صورت پرینت ارائه شده‌اند. او درباره عکس‌های اورجینال در قصاب‌هایی به رنگ پرچم ایران توضیح می‌دهد: این سری عکس‌ها به تعداد سن آقای تختی تا زمان مرگ، یعنی در ۳۶ قاب به نمایش آمده‌اند و پیش از این نیز در نمایشگاه گروهی گالری شیرین با عنوان «جهان پهلوان تختی» که دی سال گذشته برگزار شد، به نمایش درآمده بودند. از عباس خجسته که از سال ۱۳۴۹ به جمع‌آوری عکس‌ها پرداخته و از ۲۰ سال پیش هم شروع به گردآوری روزنامه‌ها و مجلاتی قدیمی که درباره تختی نوشته‌اند، کرده است،





## طنز در بوستان سعدی

محمدا علی غالب

### حکایت

شنیدم که مردی است پاکیزه بوم<sup>۱</sup> شناسا و رهرو در اقصای روم من و چند سیاح صحرانورد برقتیم قاصداً به دیدار مرد سروچشم هر یک ببوسید و دست به تمکین و عزت نشانند و نشست زرش دیدم و زرع و شاگرد و رخت ولسی بی مروت چو بی بر درخت به لطف و سخن گرمرو مرد بود ولسی دیدگانش عجب سرد بود...

به معنی توان کرد دعوی درست دم بی قدم تکیه گاهیست سست طنز در این داستان یا حکایت، از معدود طنزهای بوستان است که به وضوح در زمره و گروه طنزهای آشکار اجتماعی قرار می گیرد، به طوری که نظیر لطیفه های عبید، باعث خنده، آن هم شاید خنده بلند شود.

بنای طنز، بر طنز آشکار اجتماعی و طنز موقعیت و طنز عبارت است.

پیشتر گفته شده است که علامت و ویژگی مشخص در تعیین طنز اجتماعی، موضوع و مضمون آن است که به روابط اجتماعی می پردازد. در این داستان، با چند مسافر مواجهیم که در یکی از نقاط دوردست روم - روم شرقی و ترکیه فعلی - مهمان مردی می شوند که بسیار خوش برخورد است، اما به هر دلیل، از مهمان های خود فقط با چرب زبانی پذیرایی می کند و از طعام و غذا، هیچ خبری نیست!

این مرد صاحب خانه، در صحنه ای جذاب از داستان و در طنز موقعیت، به عبادت شب زندگار است، مهمان هایش نیز شب تا صبح بیدار مانده اند اما هر کدام به دلیلی، خوب است که از قول استاد سخن، سعدی بخوانیم:

به لطف و سخن، گرم رو مرد بود

ولسی دیدگانش عجب سرد بود همه شب نبودش قرار و هجوع

ز تسبیح و تهلیل و، ما را ز جوع! سعدی با ایجاز و در تضاد تعبیرها می گوید که اگرچه مرد صاحب خانه، در صحبت، آدمی بسیار گرم بود اما دیدگانش سرد بود، یعنی هیچ نشانی از غذا در کار نبود. مهم این است که این مرد، به سبب تنگدستی نیست که از مهمان هایش پذیرایی نمی کند، برعکس، مردی است ثروتمند:

زرش دیدم و زرع و شاگرد و رخت

ولی بی مروت، چو بی بر درخت همین رفتارهای متضاد مرد، یعنی در ادب و آداب پذیرایی بسیار گرم، اما در طعام دادن، بی توجه و سرد بودن است که طنز آشکار موقعیت را پدید آورده است. به عنوان مثال، وقتی که مهمان هایش را می بیند، چنین رفتارهایی دارد:

سرو چشم هر یک ببوسید و دست

به تمکین و عزت نشانند و نشست مرد، با خوش رفتاری فراوان سرو چشم و حتی دست مهمان های خود را می بوسد و آن ها را با عزت و احترام می نشانند اما غذایشان نمی دهد و آنان را تا صبح گرسنه نگه می دارد. صبحگاهان نیز، باز همان عزت و احترام را دارد:

سحرگه میان بست و در باز کرد

همان لطف و بوسیدن آغاز کرد! در مرحله بعد از طنز موقعیت که با طنز عبارت همراه است، یکی از مهمانان شوخ طبع، در مخالفت و تقابل با عزت و احترام های ظاهری، در طنز عبارت و شوخی های کلام می گوید:

یکی بُد که شیرین و خوش طبع بود

که بسا مسافر در آن رع بود مرا بوسه، گفتا به تصحیف ده

که درویش را توشه از بوسه به! به خدمت منه دست بر کش من

مرا نمان ده و کف بر سر بز!

ادامه دارد

پی نویس

۱- سرزمین

۲- قصد کننده

اریاب اندیشه دیگر فقط با کتاب و مباحث کتابی شناخته نمی شوند.

سینما می شود جایی که آنها اوقات زیادی از زندگی شان را در/یا آن سپری می کنند: با دیدن فیلم، با بحث درباره فیلم ها، با نوشتن مطلب درباره مباحث گوناگون مرتبط با سینما و فیلم و... . سینما زمینه بیشتری هم پیش می آورد برای روشنفکران و اندیشمندان کتابی؛ مقاله و کتاب نوشتن درباره سینما و فیلم ها. راه افتادن مجلات و روزنامه ها و صفحاتی در بیشتر روزنامه ها درباره سینما و سینماگران. اندیشیدن به سینما، ایده پردازی درباره مفاهیم و ابزارها و کارکردها و تأثیرگذاری های آن، پیشه بسیاری از روشنفکران اهل قلم می شود.

در اینجا پیوند عمیق و استواری میان سینما و اندیشه پیش می آید و نتایج فراوان و گاه نامنتظری از آن حاصل می شود. بسیاری از کارگردانان کار خود را معطوف به حوزه های اندیشه می کنند، درباره دین، اخلاق، تاریخ، آینده، هویت، مرگ، زندگی، و خلاصه درباره هر آنچه به انسان و گستره ناپیداکران اندیشه و تجربه او مربوط می شود: آثار سینماگرانی چون چاپلین، فلینی، برسون، هیچکاک، آنتونیونی، برگمان، تارکوفسکی، پاراجانف، کوبایاشی، کوروساوا، لینچ، کوبریک، پازولینی، وودی آلن، و ده ها سینماگر دیگر هریک از جنبه های مسائل، دغدغه ها، اندیشه ها، و آرزوها و ترس ها و... بشر می پردازند. یکی توصیفگر است، دیگری نقد می کند، آن یکی ردیه می سازد، و یکی هم اندیشه ای بکر و ناب ارائه می دهد.

از همینجاست که بعضی سینماگران، سینماگر مولف اندیشمند نامیده می شوند: سینماگرانی که حرفی برای گفت دارند؛ و اندیشمندانی هم می شوند اندیشمندان سینما، متفکران سینما، نظریه پردازان سینما. اندیشمندان و نظریه پردازانی که درباره فیلمها و مفاهیم و ابزارهای سینمایی و کارگردانان و بازیگران و همه سازوکارهای سینما ایده پردازی می کنند. نظریه می دهند. مقاله و کتاب می نویسند. اندیشمندانی که چه بسا خودشان حتی نتوانند دوربین را درست در دست بگیرند.

در تاریخ صد ساله سینما اندیشه های بسیاری آفریده شده است. سینما موافقان و مخالفان فراوانی برای خود یافته یا تراشیده است. برخی سینما را ابزاری در کنار سایر ابزارهای تفریحی می بینند و بعضی برای سینما رسالتی بسیار بیش از اینها قائلند. برخی سینما را ابزاری می کنند در خدمت انسان، و در مقابل برخی دیگر سینما را به استخدام می گیرند

و به دیگران هم این را نشان داد. ابزار و محملی جدید بود برای همه مردم تا در آن، ساعاتی از روز را بیاسایند و خستگی کار ملال آور روزانه را بر صندلی های آن از تن به درکنند. لحظه ای خود را از دام فرساینده دنیای واقعیت برهاند و در عالم شناو و رویایی مجاز رها کنند.

واقعیت و مجاز از مهم ترین اندیشه هایی بود که در تمام تاریخ فکر و فلسفه و ادبیات بشر به آن پرداخته شده بود. صدها و هزاران کتاب و رساله هر یک به نوعی و از زاویه ای به این مبحث پرداخته بودند. عمر اندیشمندان، هنرمندان و نویسندگان بسیاری مصروف کاویدن سویه های فراوان آن شده بود.

دنیای سینما بازتولیدی بود از حقیقت با جلوه های بسیار پارادوکسیکال: از یکسو دنیایی که عرضه می کرد، ساخته ای بود سراپا پرداخته خودش و یکسره مجازی، دروغین و غیرواقعی؛ و از سویی دیگر آنقدر این دنیا واقع نما بود که بینندگان در ساعاتی که ناظر گذشتن آن تصویر تکه تکه بودند، که در هر ثانیه ۲۴ تایی آن از پیش چشمشان می گذشت؛ واقعیت را به کلی به فراموشی می سپردند و آن را از هر واقعیتی واقعی تر می پنداشتند. با خنده اش می خندیدند و با گریه اش اشک در چشمانشان می نشست؛ با غم و غصه ها و شخصیت ها همذات پنداری می کردند و مصایب و گرفتاری ها و جنگناهای آن شخصیت ها را در وجود خودشان می جستند. سینما را آینه ای می دیدند که نه تنها از بیرون که از درونشان هم خوب خبر داشت. تصورات نامجسم آنها را تجسم می بخشید و بر پرده ای که دو بعد بیشتر نداشت، اما از هر شیء سه بعدی بی گویا تر و سه بعدی تر می نمود. هر آنچه در تخیلشان بود برایشان ارائه می کرد.

سینما نماد روشنفکری می شود. روشنفکران و

نشده باشد و کمتر مفهومی است که نتوان آن را در صدها و هزاران فیلم ردیابی کرد. در این صد سال بیشتر مردم دنیا، روستایی و شهری، باسواد و بیسواد، فقیر و غنی، مذهبی و غیرمذهبی از هر رنگ و نژادی و در هر سن و سالی به نوعی با سینما، حتی برای دوره ای کوتاه درگیر بوده اند. این خود یادآور این نکته است که سینما مخاطب محور است. محصولاتی رنگارنگ و گونه گون عرضه می کند که کمتر کسی را می توان یافت که علائق خود را نتواند در جلوه ای از جلوه های آن بیابد. یا به نوع خاصی از مضامین و مفاهیم دل می بندد، یا عاشق بازیگر یا کارگردان یا ژانر ویژه ای می شود. یا ...

سینما به تعبیری دنیای آدمی و دنیای اندیشه او



سینماگرانی که حرفی برای گفتن دارند

سینما رسانه ای است با ادعاهای کلان و دستان نه چندان باز. این مدعا شاید عجیب به نظر برسد؛ چرا که در بین رسانه ها به واقع، شاید سینما قوی ترین توصیف کننده و نشان دهنده باشد و ما به سادگی و هرروزه شاهد تأثیر فوق العاده و فراگیر تصاویر سینمایی هستیم. اما این که چرا این آینه عظیم توصیفگر توانسته کارکرد توصیفی و بیانگرانه ای همچون ادبیات داشته باشد، حدیث دیگری است. ژان لوک گدار کارگردان فرانسوی در جایی گفته است: «سینما مدت ها هست وظایفش را فراموش کرده است ... سینمای امروز قابل دیدن نیست» و می بینیم که سینما امروزه چیزی شده در حد کالایی تجاری مثل لباس و مطابق مد حرکت می کند و بیشتر کالایی اقتصادی است تا هنری. هر آنچه عامه بخواهد در اختیارش قرار می دهد، او را خوشحال و راضی و وابسته به خود نگه می دارد، و اصلاً دغدغه انتقاد از جامعه یا پیش برد فرهنگ را ندارد. گویا همه مشکلات بشر حل شده و تنها کمبود زندگی انسان امروز بازی تام و جوری و تعقیب و گریزهای سریع فیلم های هالیوودی است. آنچه در عصر طلایی سینما، در سینمای چاپلین، در «عصر جدید» و در «دیکتاتور بزرگ» اتفاق افتاد، به فراموشی سپرده شده است.

شویم و درواقع به سینما «برویم». اما آن رسانه های دیگر در «خانه» اند. در دسترس ما هستند. استفاده از آنها وقت و انرژی چندانی نمی خواهد. کلید یا پیچی است که باید بفشاریم یا بپیچانیم. سینما را مخاطب برمیگزیند. مخاطب سینما دهها و صدها گزینه دیگر دارد. این نشد آن. این را نخواستی آن یکی. سینما مخاطبانی دارد که در یک زمان خاص و در یک مکان خاص برای دیدن یک فیلم خاص زیر یک سقف گردآمده اند. اینها قواعدی را پذیرفته اند که اگر در خانه بودند نیاز نبود به آن قواعد پایبند باشند. گویی کسانی که برای دیدن یک فیلم می روند از پیش با هم قراردایی گذاشته اند. علاوه بر آن، این مخاطبان می توانند یادآور امری متناقض گونه باشند: مخاطبانی از طیف های مختلف جامعه و با اندیشه هایی کاملاً متفاوت از یکدیگر و از آنسو همه همراه و یک مسیر. ابژه دیدنشان یکی و برداشت هایشان از آن متفاوت و گاه متناقض است.

تردیدی در این نمی توان داشت که پیدایش سینما موجب جهشی ورای حد تصور در اندیشه و نگاه انسانها شد. گویی با سینما پرده ای از پیش چشم انسان ها برداشته شد تا نشان دهد می شود دنیا را جور دیگری و از منظری متفاوت نگریست.

چشم اندازی که تا به آن روز در تمام تاریخ چندین هزار ساله علم و معرفت انسانی نه نظیری برایش می توان یافت و نه اساسا در تخیل آدمی چنین چیزی متصور بوده است.

سینما تاریخی صد ساله پشت سر دارد اما آثار آن، چه از نظر تعداد و چه از نظر گستردگی و دایره نفوذ و مخاطبان، خیلی بیشتر از حد این صد سال را به یاد می آورد. درخت تناور و پرشاخ و برگ سینما اینگونه می نماید که اگر آن را از میانه ببرند چندین هزار حلقه در آن مشاهده خواهند کرد.

کمتر عرصه ای است که سینما در آن وارد

تردیدی در این نمی توان داشت که پیدایش سینما موجب جهشی ورای حد تصور در اندیشه و نگاه انسانها شد. گویی با سینما پرده ای از پیش چشم انسان ها برداشته شد تا نشان دهد می شود دنیا را جور دیگری و از منظری متفاوت نگریست.

چشم اندازی که تا به آن روز در تمام تاریخ چندین هزار ساله علم و معرفت انسانی نه نظیری برایش می توان یافت و نه اساسا در تخیل آدمی چنین چیزی متصور بوده است.

سینما تاریخی صد ساله پشت سر دارد اما آثار آن، چه از نظر تعداد و چه از نظر گستردگی و دایره نفوذ و مخاطبان، خیلی بیشتر از حد این صد سال را به یاد می آورد. درخت تناور و پرشاخ و برگ سینما اینگونه می نماید که اگر آن را از میانه ببرند چندین هزار حلقه در آن مشاهده خواهند کرد.

کمتر عرصه ای است که سینما در آن وارد





چندگویی

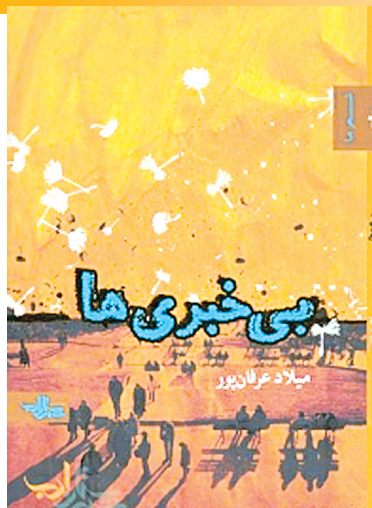
نگاهی کوتاه به مجموعه شعر «بی خبری‌ها» سروده میلاد عرفان پور

## پاییز بهاری است که عاشق شده است

رفتی و هیچ نگفتی که چه در سر داری  
رفتی و هیچ ندیدی که چه آمد به سرم  
بی شک کسانی مثل عرفان پور اگر شخصیت  
هایی رسانه ای و جشنواره ای نبودند، آثارشان در  
سطحی بالاتر قرار داشت.  
باید بیسن کار و زندگی یکی را انتخاب کرد.  
مسئله فقط این نیست که می خواهید مصاحبه کنید  
و درباره خودتان حرف بزنید. مسئله این است که  
چقدر در اجتماع به معنای عوامانه کلمه زندگی  
می کنید و ساعت های زیادی از عمرتان را صرف  
بلاهایی می کنید که به نظر تان جذاب به نظر  
می رسند.

یک بار کسی از «نزار قبانی» پرسید که چرا هیچ  
وقت به خارج سفر نکرده است؟ نزار قبانی از اسپانیا  
به برزیل رفت و بعد هم به جنوب لبنان و شمال  
فرانسه نقل مکان کرد، اما می دانید در پاسخ چه  
گفت: «من در ذهنم سفر می کنم».

فکر می کنم اینها انتخاب هایی هستند که  
پیش روی شاعر وجود دارند و وقتی جوانید ممکن  
است متوجه شان نشوید. شاید نباید هم بشوید، اما  
بعد ها اگر بخواهید پائیان را از حد یک اثر خوب  
و امیدوارکننده فراتر بگذارید و به خطرپذیری و  
رضایتی حقیقی برسید که در بسیاری از آثار عرفان  
پور وجود دارد، ناچارید در خود بمانید.



باشد، آزاردهنده هم تلقی می شود که در مجموعه  
"بی خبری‌ها" شاهد آن هستیم.  
هر چند ما با شاعری پر انرژی و پر کار روبرو  
هستیم؛ اما همین پر کار بودن آفتی است بزرگ که  
شاعر را درگیر شعرش نمی کند، مخاطب را نادیده  
می گیرد و هر چه بادا باد می شود.  
همه شب دست به دامن خدا تا سحرم  
که خدا از تو خبر دارد و من بیخبرم

«پاییز بهاری است که عاشق شده است»!...  
گاهی وقت ها این مصرع میلاد عرفانپور رابه  
صورت پیامک عاشقانه از طرف همکارانم دریافت  
می کنم.  
آدمهایی که شاعر نیستند بلکه پزشک اند، راننده  
تاکسی و... از خیلی جاها این مصرع زیبا را می شنوم.  
شاعران زیادی آمدند و رفتند، اما از خود چیزی بر  
جای نگذاشته اند.

حتی مجموعه هایی با تیراژهای فراوان چاپ  
کردند، ولی نه نامی از آنها موجود است، نه نشانی. اما  
گاهی عرفانپور سهل انگار می شود و مخاطب خود  
را نادیده می گیرد مانند این دو بیت:

یکی خشم زمستان را بگیرد

یکی شلاق توفان را بگیرد

مبادا بر زمین اقتصد دوباره

یکی دستان بشاران را بگیرد  
گذشته از ترکیب های تکراری بیت ها مانند:  
شلاق توفان، دستان باران، خشم زمستان و ... اصلاً  
آن زبان صمیمی و پر از بار عاطفی عرفان پور دچار  
زمختی شده و شعر به سمت تصنعی شدن  
می گراید.

حاصل اندیشه ای عاشقانه نیست، بلکه  
کوششی است تکراری و بدون آنکه تکان دهنده

تازه های کتاب

### ناشناسنامه

«ناشناسنامه»، عنوان نخستین مجموعه شعر مرصیه  
فرمانی است که در بهار امسال توسط نشر هزاره  
ققنوس در دسترس دوستداران شعر قرار گرفته  
است.

این کتاب چهل شعر کلاسیک از این شاعران جوان  
را در برمی گیرد که افزون بر شعرهای عاشقانه،  
شعرهای آیینی نیز در نخستین دفتر شاعری فرمانی  
فضای قابل توجهی را به خود اختصاص داده اند.  
دو شعر از این مجموعه را می خوانیم:

(۱)

در عشق انتقام به جایی نمی رسد  
این قصه یک کلام به جایی نمی رسد  
در گیر جزر و مد شده دریا، چه فایده؟!؟

در موج ها قیام به جایی نمی رسد  
ای زندگی، شراب فراموشی ات کجاست؟

مستی ما مدام به جایی نمی رسد  
تاکی فقط به جای «تو» باید «شما» نوشت؟

در عشق، احترام به جایی نمی رسد  
هر قدر عاشقانه تر، این غصه بیشتر

این قصه درام به جایی نمی رسد  
فریاد را فرو بخور آخر صدای تو

در اوج ازدحام به جایی نمی رسد  
این زندگی معادله ای نابرابر است

این راه والسلام، به جایی نمی رسد

(۲)

تنهایی عمیق، به قلبم خوش آمدی  
ای درد! ای رفیق! به قلبم خوش آمدی  
در من جراحتی است که سوغاتی غم است

ای بوسه بوسه تیغ! به قلبم خوش آمدی  
مثل قدیم دلخوش آینده نیستم  
حتی شبی برای خدا بنده نیستم؟

خور کرده ام به بغض به همزاد روزهام  
آن قدرها که منتظر خنده نیستم

من آشنای خلوت شب های کافه ام  
از زندگی کلافه ام، از غم کلافه ام

بی ربط مان چنان که فقط توی زندگی  
این روزها شبیه به حرفی اضافه ام

تاکی به دوش خود بکشم این جنازه را  
هر بار پی نوشت غزل های خود کنم

این بوسه های مضطرب بی اجازه را  
حالا که منتظر ته این جاده ام، بیا

بازندگی و عشق در افتاده ام، بیا  
من سالهاست چشم به راه توام، ببین

ای مرگ، تا برای تو آماده ام، بیا

## غزل گفتن در سواحل خزر

«مونا مهدی دوست» متولد سال ۱۳۶۳ تهران است که در حال حاضر در گیلان سرسبز و زیبا زندگی  
می کند. او، هم ترانه می نویسد و هم غزل می سراید. مهدی دوست دانشجوی زبان و ادبیات فارسی است.  
چند غزل از او را با هم می خوانیم:



۳  
نه فقط من ... همه شهر لب ویرانی است  
زن محبوب تو در شهر خودش زندانی است  
نکند آن که به دریا زده امشب دل توست  
که پریشان شده دریا و چنین طوفانی است  
وسعت بغض مرا ابر فقط می فهمد  
رفته ای و دل من مثل هوا بارانی است  
قلب ما گرچه به هم نزدیک است اما باز ...  
بین ما فاصله ها ... فاصله ها طولانی است  
خسته ام ... خسته از این حالت دلدادگی ام  
عشق ما گرچه عمیق است ولی پنهانی است  
کاش امشب برسی ... نیت ماندن بکنی  
«در دلم طاق دیدار تو تا فردا نیست»

۴  
تورا در یک شب غمگین تابستان  
تورا در مرز مرگ و نقطه پایان  
شبیه آشنایی گمشده در دور  
به خود نزدیک حس کردم غریبه جان  
پریشان بوده ام یک عمر و آغوش  
رسید و داد این دیوانه را سامان  
و بعد از کشف آغوش کجا باید  
کنم عطر تنت را از جهان پنهان  
«هواخواه توام جانا» و می دانی  
به شوق سبز مانده دختر گیلان  
شکستم داده دنیا بارها اما ...  
تورا هرگز نمی بخشم به او آسان  
مرا با عشق باور کن که من تنها  
کنار تو به عشق آورده ام ایمان

۱  
هرگز کسی را مثل من دیوانه دیدی؟  
با هر کسی غیر از خودت بیگانه دیدی؟  
یک شب به آتش می زنم بال و پر  
در عشق بی پروا تر از پروانه دیدی؟  
گفتم که می میرم شبی از داغ دوریت  
قول زنی را این چنین مردانه دیدی؟  
مجنون منم ... این اشتباه قصه ها بود  
ناباورانه تر از این افسانه دیدی؟  
در جستجوی تو به در ... کوچه به کوچه ...  
آواره ای اینقدر دور از خانه دیدی؟  
یاد زنی با چشم های من می افتی  
هر جا که شالی سبز روی شانه دیدی

۲  
وقتی ندارد گریه هایم در تو تأثیر  
حس می کنم حس تو یا من کرده تغییر  
از اولش تو مرد این خانه نبود  
آهوی رامت خوب فهمیدت ... ولی دیر  
در خواب هایم دیده بودم رفتت را  
دل می کنی و می شود این خواب تعبیر  
می خواهمت ... دنیا ولی ناسازگار است  
از عشق قدرتمندتر ... دستان تقدیر  
دلواپس فردای آهویست نباشی  
یادش نرفته زندگی با گله شیر  
شاید تو را جایی بینم سالها بعد  
آنجا که هر دو می شویم از داغ هم پیر





# حکایت استقبال از خوان گارسیا گومز

دکتر شهرام جوادی‌نژاد

عکس‌های پیرمرد به همه جا آویزان شده بود؛ پیرمردی با محاسن سفید نسبتاً بلند، عینک پنسی با کلاهی بامزه در حال کشیدن پیپ و مثل همیشه لیخندی بر لب. روی پلاکاردها نوشته شده بود: «دیدار با نویسنده شهر آمریکای جنوبی، خوان گارسیا گومز».

البته مردم شهر کلاً میانه خوبی با خواندن و کتاب و اینها نداشتند. تیراژ کتاب‌هایی که مسائل جدی را دنبال می‌کردند، به زحمت به دو الی سه هزار جلد می‌رسید. در عوض کتاب‌هایی مثل «پاسخ به برخی مشکلات وسایل» و کتاب‌های عشقی (آن هم ترجیحاً از نوع بند تنبانی!) طرفداران فراوانی داشت؛ مثل عشق یک خانم ثروتمند و یک نجار آس و پاس و یا عشق یک مرد اشراف‌زاده به دختر کلفت همسایه بغلی و... اما در هر صورت «خوان گارسیا گومز» نام آشنایی برای اندک مردم اهل مطالعه شهر بود. هر چه بود، او از برندگان جایزه نوبل ادبیات محسوب می‌شد.



آن روز هوا به شدت سرد بود و بارش برف خیابان‌های شهر را سپیدپوش کرده بود. اعضای ستاد استقبال از خوان گارسیا گومز، چهارنفر از نویسندگان و مترجمان عضو مجمع نویسندگان شهر بودند.

البته برنامه خیلی خاصی در کار نبود، یک حلقه گل که قرار بود به گردن او آویخته شود و خیرمقدم‌گویی و مشایعت او تا هتل محل اقامتش تا با توجه به راه دوری که طی کرده بود، زودتر به استراحت برسد و خود را برای سایر برنامه‌های فرهنگی تدارک دیده شده آماده کند.

هیأت استقبال آماده رفتن به فرودگاه بود. در راه رسیدن به فرودگاه بحث‌هایی روشنفکرانه در باب اهمیت ساختار شکنی

در رمان و پست‌مدرنیسم در ادبیات معاصر بالا گرفته بود. دانه‌های برف کم‌کم درشت‌تر و درشت‌تر می‌شد و بارش برف شدت بیشتری می‌گرفت.

هیأت استقبال تقریباً نزدیکی‌های فرودگاه رسیده بودند که مسئله‌ای گروه را به شدت نگران کرد. راه ورودی به فرودگاه به واسطه ترافیک سنگین و بی‌سابقه و تا حدودی باورنکردنی بسته شده بود.

چنین جمعیتی در تصور هیچ‌کس نمی‌گنجید. ظاهراً رادیو، تلویزیون شهر چندین بار اعلام کرده بودند که آگاهان مسائل فرهنگی، ورود خوان گارسیا گومز به شهر را مهم‌ترین رخداد فرهنگی چند دهه اخیر بر شمرده‌اند. فقط نیم ساعت به نشستن هواپیما مانده بود و یک محاسبه ساده سرانگشتی نشان می‌داد که با این وضعیت، گروه استقبال تا یک ساعت دیگر هم به فرودگاه نخواهند رسید.

نگرانی‌ها به اوج رسیده بود، واقعاً اگر خوان گارسیا گومز بدون استقبال رسمی مجمع نویسندگان یا به خاک شهر می‌گذاشت، چه آبروریزی اسفناکی رخ می‌داد.

آقای شهرآبادی که خود از نویسندگان مشهور بود، به بقیه گفت: «با این وضع نمی‌رسیم. بیایید حلقه گل را برداریم و یک جوری خودمان را برسانیم...». ماشین را کنار خیابان پارک کردند و دوان دوان به سوی فرودگاه روانه شدند.

ظاهراً آقای شهرآبادی که از همه مسن‌تر بود، موفق شده بود به زور خودش را پشت یک موتور گازی جا دهد. دقایق به سرعت سپری می‌شد. گروه خسته و کوفته در حالی که برف کاملاً خیسشان کرده بود، نزدیک در ورودی سالن رسیدند. جمعیت طوری موج می‌زد که عبور از میان آنها را تقریباً غیرممکن کرده بود. بالاخره گروه با هر ترفندی بود، با کمک مأموران خودشان را به صرف اول استقبال‌کنندگان رساندند.

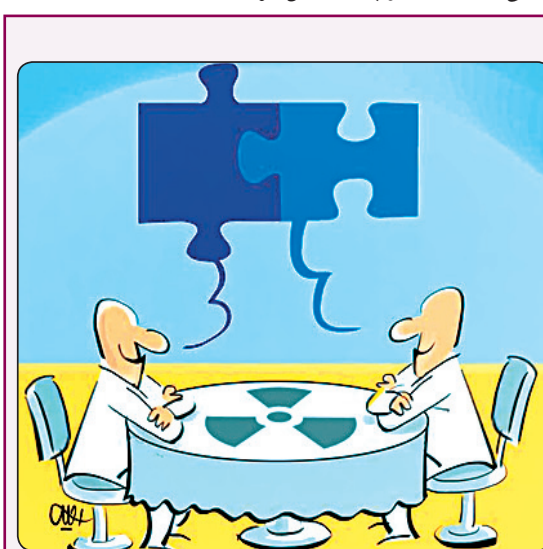
دقایقی بود که هواپیما به زمین نشسته و هیجان به اوج رسیده بود. پیرمرد دقیقاً با همان شکل و شمایل چاپ شده روی پلاکاردها، عصازنان به سمت در خروجی سالن می‌آمد. آقای شهرآبادی، مجنون‌وار، هیجان‌زده فریاد می‌زد: «استاد ... استاد!»

پیرمرد با دیدن حلقه گل و پلاکاردی که به زبان انگلیسی به او خوش آمد گفته بود، لبخندی بر لبانش نقش بست.

آقای شهرآبادی از دختر جوانی که مشتاقانه کنار او ایستاده بود، خواهش کرد که حلقه گل را به گردن استاد بیندازد.

دخترک با نگاهی منگ و متعجب به سمت او برگشت. در همین لحظه آقای شهرآبادی توانست تیتراژ درشت نشریه‌ای را که در دست دخترک بود، ببیند: «شایعه حضور محبوب خان، برادر سلمان خان هنرپیشه مشهور هندی در شهر!»

هیأت استقبال و خوان گارسیا گومز سوار بر تاکسی چند متری از فرودگاه دور شده بودند که صدای جیغ و فریاد جمعیت مانند انفجار مهیبی همه جا را لرزاند. می‌گفتند چندین نفر با دیدن محبوب خان غش کرده‌اند...



تبسم و تفکر



محمد علی رازی

\*متولد ۱۳۵۴ — نطنز

\*فارغ التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنر دانشگاه تهران

\*کاریکاتورست و کارتون‌نویست

\*آغاز همکاری با نشریات از سال ۱۳۷۶



از فرمایشات ما

دوئل با خندوانه

و چند نکته!

بعد از قریب ۱۲ سال از کار، طنزنویستن بالمره و روزانه در ستون «بزن در رو» کذایی که اخیراً عوامل خودی، بی‌اذن دخول، از در و دیفال (!) برای تصاحب آن یورش آورده‌اند و ان‌شاءالله از این ستون تا آن ستون فرج است؛ به گمانم این قدرها حق آب و گل داشته باشیم که در مواقع اضطراری و عنداللزوم — و نه عندالمطالبه — از آن استفاده ابرازی و نه ابزاری برای بیان پاره ای توضیحات ارزنده خود در راستای شفاف سازی بعضی مسائل مبتلابه که جنبه عمومی و اجتماعی دارد و نه صرفاً فردی و شخصی بنماییم. فلذا با این توجیه که عرض شد، استفاده بهینه می‌نماییم و می‌فرماییم: چندروز پیش در خبرگزاری ایسنا، اینها، گفتگویی کوتاه از وجود نازنین ما درج شد که راجع به برنامه خوب خندوانه و بخش جدید نمایشی آن یعنی «استندآپ کمدی» توضیحاتی فرموده بودیم و عموماً نیز در تأیید و تحکیم آن که خدایش زیاد گرداناد کثرتاً امثالهم. در ضمن این گفتگو نیز اعلام آمادگی برای انجام یک دوئل با برنده نهایی این بخش و خنداننده برتر آن کرده بودیم که از قضا روی هوا زده شد و روز روشن، شد تیتراژ آن گفتگو: «رضایع، خنداننده برتر خندوانه را به دوئل دعوت کرد!»... و رفت روی سایت های خبری اقصی نقاط عالم! از آنجا که معمولاً به سبک و سیاق مصاحبه‌های شفاهی و تلفنی از راه دور، چنان که باید و شاید، منظور مصاحبه شونده عزیز — که خود ما باشیم — منتقل و منعکس نمی‌شود و حتی مصاحبه کننده ممکن است همه کلمات و عبارات را چنان که ادا می‌شود، نشنود یا بد بشنود یا بعد بشنود؛ لهذا حس کردیم که اگر عقلانیت به خرج دهیم و با همین قلم مبارک خودمان، نکاتی را در این راستا که عرض شد، دقیق تر عرض کنیم؛ به صلاح و صواب نزدیکتر خواهد بود و از این دوئل پیشنهادی، بوی خون نخواهد آمد!

۱- رفاقت قندپهلوی با خندوانه به ابتدای آفرینش آدمیزاد و انسان های نخستین برمی گردد. زمانی که پیش از اکتشاف آتش، لبخند و خنده کشف شد. بنده بسیار خندوانه را دوست می دارم و وجود امثال این برنامه های مفرح و شاد سالم و آموزنده را از جمیع جهات، برای جامعه لازم می دانم. خودم نیز در دور اول، با پای خودم به عنوان مهمان وارده به این برنامه رفتم و کلی هم خوب و خاطره انگیزش. بسیار مورد محبت و التفات دوست خوب و خوشفکر رامبد جوان قرار گرفت و همانجا روی آنتن از من دعوت به همکاری کرد که اسنادش موجود می باشد. بگم... این از رفاقت محکم ما که مولای درزش نمی رود. مگر به قول گل آقا چطور بشود!

۲- پارسال در ادامه به نمایش گذاشتن این رفاقت و حمایت مستحکم، در ضمن یک گفتگو با رامبد عزیز (و به قول جناب خان: رامبد...)، فی البداهه و به شوخی — و شاید هم کمی جدی! — گفتیم که: رامبدجان، بیا خندوانه و قندپهلوی را باهم قاطی کنیم، بکنیمش «قندوانه» (یا شاید هم خندپهلوی)!... رامبد خندید و گفت: موافقم!... و بلاتشبه عین نوشتن یادداشت تفاهم مسؤولان سیاسی، با هم دست دادیم و یک دفعه یک دستی هم بالای دست ما قرار گرفت که مال رئیس یکی از شرکت های مخابراتی معروف بود و با صدای محکم گفت: «ما هم اسپانسرش» (باز هم اسنادش موجود است).

۳- بنده خود به اقتضای بیش از ۲۲ سال طنزنویسی ممتد و مستمر، این قدر می دانم که طنز و کمدی از دو مقوله جدا از هم و در عین اشتراکات موجود، دارای وجوه ممیزه و افتراق هستند که به قالب و ماهیت و ذات آنها برمی گردد. غرض از اعلام این دوئل، اعلام آمادگی برای به نمایش گذاشتن همزمان استندآپ طنز در کنار استندآپ کمدی است. منتهی نه با استفاده از لوازم و مؤلفه های کار کمیک که استاد ارجمند آقای علیرضا خمسه و دیگر دوستان کارکنش کمدین از خود نشان داده‌اند؛ بلکه با اتکا و ابتنای بر عناصر و عوامل طنز شفاهی و گفتاری منبعث از طنز مکتوب و نوشتاری؛ همچون شعر و ادبیات. از اینرو، ناشیان امر، خلط میحث نکنند. بنشینند تماشا کنند. کمدی و طنز، هر دو از گونه های فاخر شوخ طبعی به شمار می آیند و هر دو دارای جایگاه ارزشمند خویش‌اند. قصد مقایسه نیست، مقصود، نشان دادن توان و ظرفیت طنز مبتنی بر کلام و بیان است که به مفهوم استندآپ هم نزدیکتر است.

۴- کسی که اعلام آمادگی برای دوئل کرده، به عنوان یک طنزنویس وارد گود شده که سالهاست تجربه برنامه طنز رسانه ای زنده و تولیدی هم دارد. زنده‌اش در «پانتوفش اخبار» و تولیدی اش در «قندپهلوی» و... غیره؛ اما در این دوئل به عنوان یک شخص حقیقی و طنزپرداز اعلام آمادگی کرده ام و نه به نمایندگی این برنامه ها که عرض شد. مقایسه دو برنامه موفق و پرمخاطب قندپهلوی و خندوانه، در همه جهات درست نیست و به قول مولانا، از قیاس خنده آید خلق را! یکی به ساحت کمدی نزدیکتر است و یکی به مفاهیم و تعاریف طنز. اما هر دو در پی ایجاد لحظه های

شاد برای مردم که این تلاش، ارجمند و بخردانه است.

تاکنون، استقبال عموم مردم هم از این اعلام دوئل جالب بوده است و غالباً از آن به عنوان یک اتفاق هیجان انگیز یاد کرده‌اند که باعث گرمتر شدن تنور خنده ملت می‌شود. در هفته دفاع مقدس به سر می‌بریم. سردار سرتیپ بسیجی، آقای «بهمن کارگر» رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس (که یک وجه اشتراکمان مهمان شدن در خندوانه است) در روزنامه مرا دید و باخنده گفت: «شنیدم برای دوئل اعلام آمادگی کردید؟!..... حالا آماده هستید؟!... خندیدم و گفتم: «همه‌گزینه ها روی میز است. از ما فقط پیشنهاد بود سردار!»





